

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «مَنْ لَفَّ بِطَوْبِهِ»  
أَبِي بِأَلْمَهْدِيِّ مِنْكَ  
أَلْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ



مَهْدِي <sup>«درج»</sup> مَا  
رَاهُ كُتَابِي عَالَمِ غَيْبِ

ان لصاحب هذا الامر  
غیبة لا یعلمها - وانما هی محنة امتحن الله بها خلقه  
امام صادق (ع)

ای یاد تو هم هونس در گوشه تنهایی  
وی درد تو هم درمان در بستر ناکامی

# مهدی ما (ع) راه گشای عالم غیب

بقلم: حسن سعید

نام کتاب: مهدی ما (عج) راه‌گشای عالم غیب

نویسنده: حسن سعید

انتشار دهنده: کتابخانه مدرسه چهل‌ستون مسجد جامع طهران - تلفن ۵۶۹۱۹۴

چاپ: چاپخانه خوشه خیابان صفی‌علیشاه تلفن ۳۱۸۵۶۴

تیراژ: پنجمزار جلد

تاریخ انتشار: میلاد مقدس دوازدهمین امام شیعه در سال ۱۴۰۴

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشوای معصوم جهانی که روشنگر حقی نمایانگر کلام خدا  
و سخنان پیامبر و ائمه هدایتی  
خسته دلی بیاد تو در بستر ناکامی و در گوشه تنهایی بعشق  
تو با مدد پروردگار از کلام خدا و سخنان اجداد طاهرینت الهام  
گرفته و در پیرامون شخصیت والای نگهبان قرآن و عترت بحث  
مینماید و با کمال اخلاص عرضه میدارد.  
حاصل عمر نثاره یاری کردم  
شادم از زندگی خویش که کاری کردم  
دلباختگان کوی تو او را در زمره سوختگان در هوای تو  
میشناسند.

سوزد در انجمن دل پروانه جان شمع  
بر حال من که سوخته‌ام در هوای تو  
هر مو به تن زبان شده تا از تودم زخم  
چون نی پر است هر گـ جان از نوای تو  
آرزومندم تا آخرین لحظه زندگی از درگاہت دور نمانم و  
تربیت شده‌گان و ایثارگران مکتب تشیع که بسرپرستی تو در  
جهان شناخته شده‌اند موفقیت همه‌جانبه بدست آرند.  
نگر که شب‌نم بی‌دست و پا زجذبہ شوق  
چگونه جای بدامان آفتاب گرفت

می‌لاد مقدس پیشوای شیعه امیرالمؤمنین ۱۳۶۳

حسن سعید

## مناجات

الهي عظم البلاء و برح الخفاء و انكشف الغطاء و انقطع الرجاء  
و ضافت الارض و منعت السماء و انت المستعان و اليك المشتكى  
و عليك المعول في الشدة و الرخاء

## يا مولانا يا صاحب الزمان الغوث

هر کس به مأمنی ز حوادث برد پناه  
درگاه توست پشت و پناهم ز حادثات  
در روزگار سخت تو مشگل گشا شوی  
دست تو هست بر همه حلال مشکلات  
بر ما نظر فکن که توئی صاحب کرم  
لطفی که تنک گشته بما سیر کائنات  
وصف تو بر زبان و قلم کی توان نمود  
گر صد هزار نکته بگوئیم ز منشآت  
از عالم وجود تو حدث فراتر است  
واجب نه ای ولیک فزونی ز ممکنات  
من خاک کوی تو بجهانی نمیدهم  
دریافتم ز درگه تو چشمه حیات  
در هر دیار وصف تو گوئیم و مدح تو  
ای آنکه بر سعید پناهی ز حادثات

# راه گشای عالم غیب

پیروزی و موفقیت جهان اسلامی را تامین مینماید

بسم الله الرحمن الرحيم الم ذالك الكتاب لاريب فيه هدى للمتقين  
الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و مमारزقناهم ينفقون<sup>۲</sup>  
والذين يؤمنون بما انزل اليك و ما انزل من قبلك و بالاخرة هم  
يوقنون؛ اولئك على هدى من ربهم و اولئك هم المفلحون.  
از روزیکه بشر خود را دیده تا امروز و تا روزیکه هست  
پیوسته دو طرز تفکر در او حکومت نموده و در جهان هستی تمام  
مسیر خود را بر اساس اندیشه و بینش خود قرار داده است و ریشه  
و اساس همه بحثهای فلسفی و مادی را ایندو اصل پایه‌گذاری  
مینمایند و طبعاً بمرور ایام افکار دسته‌بندی میشود شاخ و برگ‌هایی  
پیدا میکند بصورت علم، مکتب، نظر، مقاله، کتاب، بطور مختصر  
و مفصل در اختیار جوامع بشری قرار میگیرد کلاسها و دانشکده‌هایی  
برای تحقیق و بررسی شروع بکار میکنند آرائی میدهند افکاری  
را دنبال مینمایند و برای رسیدن بواقع و پی بردن بجهان هستی

پیوسته تلاش دارند و بگونه‌های مختلف آزمایشهای گوناگون انجام میدهند و از هر فعالیتی دریغ ندارند.

گروهی جهان را در حصار ماده می‌بینند و دسته‌ای هم به ماوراء ماده و عالم غیب می‌گرایند قطع نظر از نام‌گزاریه‌ها و انشعاباتی که در طول زمان برای ایندو طائفه بوجود آمده بدون بیان اصطلاحات و نظریه‌های فلاسفه و دانشمندان مادی و الهی اگر بخواهیم این حقیقت را روشن بیان کنیم در سطحی که همه گروهها با اختلاف مراتبی که دارند و با تمام بینشهایی که در بررسی مسائل اجتماعی و فلسفی بدست آورده‌اند بتوانند از آن استفاده نموده و روی این اصل خلل ناپذیری که طبیعت برطبق آن سرشته شده و آخرین کلاس انسان‌سازی است که میتواند انسانرا باوج عظمت انسانی خود برساند باید رجوع بقرآن کریم کرد و استفاده از مدرسه وحی الهی نمود.

در اینجا شاید خورده‌بینان بگویند این مسئله «مصادره بمطلوب است» وحی خود بستگی بغیب دارد و اثبات عالم ماوراء ماده را چگونه میتوان بامکتب وحی ثابت نمود؟ روشن‌بینان میدانند که منطق، راه صواب را از خطا نشان میدهد و وحی هم خود راهنمایی بحق نموده و گمراهان را با رهنمودهای خود بسواقع میرساند و مردم آشنا، باپیمودن راهی مستقیم به‌هدف خود میرسند و از گمراهی نجات پیدا میکنند روی همین اساس است که قرآن کریم در سوره القمر سه بار تذکر میدهد: *وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذَّكَرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ*. قرآن عظیم با بیانی روشن انسانرا بجهان و عالم هستی و شخصیت انسانی آگاهی میدهد سپس انسان بدنیال نقشه و برنامه‌هایی که در اختیار دارد گام برمیدارد و بغیب عالم پی میبرد.

عارف نامی هاتف اصفهانی گوید:

چشم دل باز کن که جان بینی  
 آنچه نادیدنیست آن بینی  
 گر باقلیم عشق روی آری  
 همه آفاق گلستان بینی  
 آنچه بینی دلت همان خواهد  
 و آنچه خواهد دلت همان بینی  
 دل هر ذره را که بشکافی  
 آفتابیش در میان بینی  
 هرچه داری اگر بعشق دهی  
 کافرم کرجوی زیان بینی  
 از مضیق حیات درگذری  
 وسعت ملک لامکان بینی  
 آنچه نشنیده گوشت آن شنوی  
 و آنچه نادیده چشمت آن بینی  
 تا بجائی رساندت که یکی  
 از جهان و جهانیان بینی  
 با یکی عشق ورزاز دل جان  
 تا به عین‌الیقین عیان بینی  
 که یکی هست و نیست جز او

وحده لا اله الا هو  
 قرآن مبین با کمال صراحت و قاطعیت بدنیای بشریت اعلام  
 میکند: خدا حق میگوید و مردم را براه راست هدایت و رهبری  
 مینماید «والله يقول الحق وهو يهدي السبيل (الاحزاب ۴)  
 دانشمندان و مردم بیدار و هشیار جهان میدانند که کلام خدا حقی  
 است که از سوی خدا برای ارشاد و تربیت مردم نازل گردیده و فکر  
 بشری در آن راه نداشته است (وليعلم الذين اوتوا العلم انه الحق  
 من ربك فيؤمنوا به (الحج ۵۴)، و کسانی که در مقابل پروردگار سخن



میگویند و راهی نشان میدهند مطلبی با ارزش نداشته و جز بافته مغز کوتاه و نارسای خود چیزی نبافته‌اند که ببازار آرند (والله یقضی بالحق والذین یدعون من دونه لایقضون بشئی (غافر ۵). در هر صورت خداوند وعده داده است که کتاب الهی راهنمای جمعیتی میباشد که بنای محکم و خلل‌ناپذیری برای زندگی جاودانه خود طلب کنند و با برنامه‌ای صحیح و روشی منطقی بحیاطه مادی و معنوی خود ادامه دهند و بگروندگان مکتب انسان‌ساز اسلام بشارت فتح و پیروزی همه‌جانبه عنایت فرماید (ان هذا القرآن یمهدی للتی هی اقوم ویبشر المؤمنین (الاسراء ۹) زیرا مؤمن است که براساس صحیحی جهانی را شناخته و با دید واقع‌بین خود برنامه موفقیت‌آمیز را اجرا می‌نماید چون تسلیم علام‌الغیوب می‌گردد و او هم کتابی را که نقش هستی در آن با صورتی روشن بیان گردیده که دیگر چیزی از نظر انسان خدا-شناس غایب نمی‌ماند در اختیار او می‌گذارد و مامن غائبة فی السماء والارض الا فی کتاب مبین<sup>۲</sup>

### ماده بدون روح انسانرا ناپینا کرده است

جهل و نادانی انسان در جهان از دو ناحیه او را فرا گرفته و راه‌گزینی هم ندارد ۱- از لحاظ اینکه در عالمی که حد و حصری برای او ندارد و پدیده‌های گوناگونی که از شماره بیرون است زندگی میکند که بهرچه دست می‌زند چون او نمیداند کی آمده و از کجا آمده و کی خواهد رفت و بکجا خواهد رفت و در میان این موجودات غیرمتناهی ناشناخته شده چگونه باید بزندگی خود ادامه داد و با چه برنامه‌ای میتوان آزاد زیست و زندگی بهتر را تامین کرد و از فرصتها استفاده نمود ۲- انسان با تجهیزات مادی

۱- المائدة ۱۰۹ - ۱۱۶ التوبه ۷۶ - سبا ۴۸ .

۲- النحل ۷۵ .

خود هرچه بیشتر کوشش و زیادتیر فعالیت نماید باز میتواند با علم تجربی خود پس از میلیونها سال موجود مادی دیگری را در حدود دانش خود شناسائی کند ولی جهان را تنها ماده اداره نمیکند و ماده نمیتواند به تنهایی انسانرا حتی بمادیات رهبری نماید چه جزئیات هرگز نمیتواند آدمی را خودبخود بکلی برساند و قانونی وضع کند و نظامی بوجود آورد مگر آنکه از نیروی ماوراء ماده استفاده شود.

نکته قابل توجه این است که انسان قبل از اینکه موجودات دیگر را شناسائی کند باید خود را بشناسد و در باره خویشتن تحقیق کند در صورتیکه خود میگوید:

در بیخبری از تو صد مرحله من پیشم

تو بیخبر از غیری من بیخبر از خویشم  
پس کسانیکه فقط با ماده سروکار دارند جز آنچه می بینند و میشوند و در آزمایشگاه مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد چیز دیگری را باور ندارند باید خود را از جامعه انسانیت و سرز انسانی سقوط داده و در ردیف سایر موجودات که از خود اراده و اختیاری ندارند و از همه جا بیخبرند قرار دهند و بزندگی حیوانی خود ادامه داده و در جهان طبیعت زور آزمائی کنند تا قدرت بیشتری برای بدست آوردن حکومت جنگلی و آزادی فردی بدست آرند و با محروم ماندن از همه لذات و شئون انسانی، حیوانی درنده و گزنده ای طغیانگر و مستی که همه چیز را برای خود فدا میکند و خود در نهایت ناراحتی و ناامنی بسر می برد زندگی کنند چون حق را نادیده انگاشتند اگر اینها آشنای بعالم غیب بودند و هستی را شناسائی میکردند هرگز دچار چنین عذاب دردناک و زندگی مرگباری نمیشدند و اینگونه رنج و تعب را تحمل نمیکردند (ان لوکانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المہین<sup>۳</sup> آری مردمی که

ماده بر آنها حکومت کند همیشه گرفتار عذاب دردناکی هستند چون ماده بیشعور هر چه در کنار آن قرار گیرد ناخودآگاه او را می‌بلعد چه دانشمند باشد چه بیدانش شخصیت در نظر او مطرح نیست و سرانجام خود هم نابود میشود.

## راهنمایی قرآن

قرآن عظیم نخست بشر را باصلی منطقی و سخنی که همه کس آنرا درك کند و دیگر برای اشکال و شبهه محلی باقی نماند انسانها را متوجه بخود نموده که هر چه دامنه معلومات و شناسائی آنها از دیگر موجودات وسیعتر گردد و از تجهیزات عالم ماده برخوردار شوند و بتوانند برای دید بیشتر و شنوایی زیاده از عالم کون استفاده کنند باز نمیتوانند از آینده و غیب عالم و آنچه از دیدگان آنها دور است اطلاعی بدست آرند و سرنوشت خود را تنظیم کنند ام عندهم الغیب فهم یکتبون؛ اطلع الغیب ام اتخذ عندالرحمن عهداً. و این حقیقت آنچنان روشن و ظاهر است که هر چه انسان بیشتر برموز حیاة پی برد و زندگی را بررسی کند و مراحل علمی را طی نماید بیشتر بجهل و ناتوانی خود پی میبرد و با صدای رسائی فریاد میزند.

تا بدانجا رسید دانش من که بدانم همینکه نادانم در این مرحله هست که فقر علمی و اعتراف بجهل و ناتوانی خود ارزشی بانسان میدهد که پیامبر خدا با تمام شخصیتی که دارد و در جهان، سوای خالق نقطه اول و عقل نخست است میگوید الفقر فخری و به افتخر علی سائر الانبیاء من دانشم بآنجا رسیده

---

۴- الطور ۴۱ - القلم ۴۷ .

۵- مریم ۷۸ .

۶- سفینة البحار ماده فقر.

است که خود را شناخته و عجز خویش را دریافته و با چشم باز و گوش باز  
 ببارگاه عالم الغیب والشهادة رو آورده و خود را از خود تهی و  
 بمعبت و عشق او خود را ساخته ام و ایمان بغیب آورده و در این  
 وادی آنچنان اوج گرفته: انه لقول رسرل کریم ذی قوۃ عند ذی العرش  
 مکین مطاع ثم امین و ما صاحبکم بمجنون و لقد رآه بالافق المبین و ما هو  
 علی الغیب بضنین<sup>۷</sup> که جهان هستی در افق روشن خود بر او نمودار  
 گردید و حق جلوه نمود و پیامبر آنچه بایست بگوید و بر جامعه  
 بشریت پنهان بود اعلام نمود و آشکار کرد و با کمال صراحت  
 اظهار داشت. ما اخی علیکم الفقر ولكن اخی علیم التکاثره آنچه  
 انسانرا از پا در میآورد غرور و نخوتی است که آدمی را از حرکت  
 بسوی حق باز میدارد و اگر فقر هم باعث دوری انسان از خدا  
 گردد و کفر آورد و یاس و ناامیدی که باز مانع از پیشرفت و  
 حرکت است در انسان پدید آید آنهم در اسلام مذموم است و پیامبر  
 عالیقدر باز گوید: نعوذ من الفقره بخدا از فقر و تنگدستی پناه میبرم.

### قرآن کریم و عالم غیب

کتاب خدا با تمام صراحت و قاطعیت آفریدگار جهان را  
 عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال<sup>۸</sup> معرفی نموده و تنها خداست  
 که همه موجودات بدست او پدید آمده و بر جهان هستی آشناست  
 ولله غیب السموات والارض<sup>۹</sup> اوست که بر پنهانیهای آسمان و زمین  
 آشناست و آنچه در دلها نهفته است در نزد خدا آشکار است ان الله

۷- التکویر ۱۹-۲۴ .

۸- المعجم المفهرس فی الفاظ حدیث النبی ماده فقر.

۹- سفینه البحار ماده فقر.

۱۰- الرعد ۹ .

۱۱- النحل ۷۷ .

عالم غیب السموات والارض انه علیم بذات الصدور<sup>۱۲</sup>  
 بنا براین کسانی که با خدا آشنائی دارند و مکتب انبیاء را  
 پذیرفته اند نوری از قرآن میگیرند که تمام تاریکیها و ظلمات  
 پراکنده در جو هستی را روشن میکند و حقایق را بر آنها آشکار  
 میسازد و با خیالی آرام و روحی مطمئن و دلی خوش از مکتب  
 الهی بهره برداری نموده و زندگی سرشار از محبت و لذت را  
 میگذرانند هو الذی نزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات  
 الی النور وان الله بکم لرؤف رحیم<sup>۱۳</sup> آری کسانی که بدنبال فرستاده  
 خدا میروند و با کردار و گفتار خود اورایاری میکنند و از نوری که  
 خداوند باو عنایت فرموده نورانی و بهره مند میشوند ایندسته  
 رستگاران هستند که دنیا و آخرت خود را تامین نموده اند فالذین  
 آمنوا به عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی معه اولئک  
 هم المفلحون<sup>۱۴</sup> چه برنامه زندگی را از زندگی آفرین گرفته و هرگز  
 خطا و زیانی نمی بینند.

راه دومی که قرآن حکیم بجامعه بشریت نشان میدهد تا آنها  
 را با خالق هستی آشنا سازد دعوتی است که از انسانها مینماید که  
 در کتاب خدا تفحص کنند و بررسی آیات و اخبار غیبی و مسائل  
 طبیعی و تاریخی و جهات گوناگونی که ماده بتنهائی هر قدر قدرت  
 بگیرد نمیتواند تا این پایه حقائق هستی را بیان کند و راهنمایی  
 نماید و نظام آفرینش را بصورتی که قابل تخلف نبوده و نیست و  
 احکام آن همه و همه در سطحی است که از عهده بشر برنمیآید و  
 خود قرآن را اگر کسی با بینشی کامل ولی پاک بخواند ودقت کند  
 بدون تردید بحقانیت قرآن پی میبرد و نوری پیدا میکند و بدنبال  
 نور گام برمیدارد و در نتیجه بخدا میرسد اولم یکفهم انا انزلنا

۱۲- فاطر ۳۸ .

۱۳- الحديد ۹ .

۱۴- الاعراف ۱۵۷ .

عليك الكتاب يتلى عليهم ان في ذلك لرحمه وذكري لقوم يؤمنون<sup>۱۵</sup>  
 تنها کتاب خود میتواند جلوه حق را در مظاهر حیاة نشان دهد و  
 تاریکیها را بروشنیهای تابناک مبدل سازد و همین نقش عظیم  
 کتاب در میان حق و میزان سنجش مسائل و سخنان زشت و زیبا و  
 حق و باطل است که دلهای انسانها را می رباید (الله الذی انزل  
 الكتاب بالحق والمیزان<sup>۱۶</sup> و بدنیای بشریت اعلام میکند این کتاب  
 از پیشگاه خدای بزرگ آمده و بهیچوجه نمیتوان در باره آن  
 تردیدی داشت تنزیل الكتاب لاریب فیه من رب العالمین<sup>۱۷</sup> و در مقابل  
 نسبت بکسانیکه ایمان نمیآورند و از این چراغ درخشان هدایت  
 بهره ای نمی برند پس از اینکه خداوند حجت را بر آنها تمام نمود  
 بدون تردید انکار آنها از مبدأ غیب موجب غضب پروردگار و  
 عذاب شدید میگردد (والذین یحاجون فی الله من بعد ما استجیب له  
 حجتهم داخفته عند ربهم وعلیهم غضب ولهم عذاب شدید)<sup>۱۸</sup> و  
 شاید بیش از صد آیه مرد را دعوت میکند که در کتاب خدا مطالعه  
 کنید سپس خود خواهید قضاوت نمود (لوکان من عند غیر الله  
 لو جدوا فیه اختلافا کثیراً)<sup>۱۹</sup> اگر قرآن را هستی بخش جهان  
 آفرینش برای انسانها نمیفرستاد و مغزهای بشری آنرا تهیه و  
 تنظیم مینمودند بدون تردید در طول مدت انسانها نمیتوانستند  
 اختلافات بیشماری را در آن پیدا کنند.

۱۵- العنکبوت ۵۱ .

۱۶- الشوری ۱۷ .

۱۷- السجده ۲ .

۱۸- الشوری ۱۶ .

۱۹- النساء ۱۸۲ .

## غیب - شهود

بزرگترین و عالیترین اصلی که اسلام در تربیت انسان رعایت نموده و میتوان گفت ریشه همه فضائل و ملکات انسانی در جنبه مادی و معنوی میباشد ایمان بغیب است که وقتی انسان گمشده‌ای داشت طبعاً بدنبال گمشده خود بتکاپو میافتد و هرچه بیشتر تلاش میکند و دست و پا میزند برخورد بمعلوماتی میکند و چیزهای تازه‌ای بدست میآورد در نتیجه بهره‌گیری از دست‌آوردهای کوشش خود سعی و تلاش زیادتر میشود تا بمرور زمان بجائی میرسد که بغیب جهان هستی و مبدء عالم وجود راه پیدا میکند و این تکامل و رسیدن به هدف خلقت و بدست آوردن نیروئی که باعث شناخت جهان می‌شود، همه و همه در اثر ایمانی است که انسان بغیب عالم داشته و برای بدست آوردن آن کوشش کند و البته ناگفته نماند نه تنها در امور معنوی ایمان بغیب در انسان حرکت ایجاد مینماید بلکه انسان باطبع همینکه دانست جهان میدان فعالیت و بهره‌برداری است و اگر کوشش کند سرمایه‌ای بدست میآورد بدون تردید اقدام بکار میکند بلکه نوعاً تهی‌دستان بر توانایان جلو میافتند و همین غریزه فطری است که چون کوشش برای رفع نیاز خود می‌کند در این راه بهزاران سود دیگری هم برخورد مینماید و سرگذشت مکتشفین و مردان بزرگ جهان همه شاهد زنده‌ای بر این مطلب است و قرآن کریم سرلوحه برنامه خود را با ایمان بغیب شروع نموده تا پیروان خود را بحرکت درآورد و آنها را بکار وادارد و سپس برای رسیدن باین مقصد بزرگ آنها را در کلاسهای تربیتی اعتقادی و عملی دنیوی و اخروی فردی و اجتماعی بصورت‌های گوناگون آموزش داده تا راه بهره‌برداری در سطح وسیع جهان هستی را بانسان بیاموزد و آنها را با خدا آشنا سازد و بمقام شهود نائل گرداند درست در این کتاب آسمانی توجه کنید تمام لطائف و ریزه‌کاریها با صورتی روشن رعایت گردیده و هر کجا از

غیب و شهود نام می برد ابتدا غیب میگوید بعد شهود یعنی عالم غیب را انسان نخست باید درك کند تا بمقام شهود برسد خدا خود در آیات بسیاری خویشتن را بعالم الغیب والشهاده، بمخلوق خود معرفی مینماید پنهان و آشکار برای او مفهومی ندارد همه کس و همه چیز و عالم در محضر خدایند ولی در مقام تربیت انسانها و آشنا کردن افراد بمقام غیب و شهود بایستی این نکته رعایت شود که انسان بمقام شهود نمیرسد و خدا را نمیشناسد مگر آنکه نخست کمبود خود را درك کند و برای جبران آن دست و پائی میزند تا کم کم کارش بجائی برسد که بگوید اگر حجابها از میان برود و همه مادیات که چشم و گوش بشر را پر کرده نابود شوند بر من چیزی افزوده نمیگردد زیرا من بمقام شهود رسیده و خدای خود را دیده ام و دل داده و از خود در راه او چیزی ندارم (لوکشف الغطاء مازددت یقیناً).

### امام زمان و غیب عالم

در بحثهای گذشته اثر ایمان بغیب در تحرك انسان و بدست آوردن دست آوردهای انسانی ظاهر گردید و طبعاً چون پنهان است بر انسان مجهول میباشد و ارزش آنها قطعاً مجهولتر خواهد بود و تنها سود کلی و رفع نیازمندی که در غیب عالم نهان است آدمی را بحرکت درمیآورد. ولی مدرسه الهی که برای تربیت انسانها باز گردیده و هستی بخش جهان افرادی را برگزیده و مبعوث ساخته است این غیب را بتمام معنی با ارزشی که معادل جهان آفرینش است به بشر بطور کلی و جامع معرفی نموده و راه دستیابی بآنها هم از طریق اجراء برنامه های وسیع تربیتی نشان داده تا انسانها بدون لحظه ای بدنبال مقصود بروند و از جهان استفاده کنند در نتیجه بجهان و جهان آفرین برسند.



هو الذي خلق لكم مافي الارض جميعاً ٢٠ وسخر لكم مافي السموات  
ومافي الارض جميعاً ٢١.

انسانی که خود را نیازمند به تمام معنی دید و در مقام غیب و شهود عالم  
قرار گرفت که همه موجودات علوی و سفلی برای رفع نیازمندی  
او خلقت شده و مسخر او هستند و راه استفاده از این سرمایه  
گرانبها را هم باو نشان داده اند دیگر نباید بدست خویش دست از  
کار بردارد و دچار خسران دنیا و آخرت شود آری برای رسیدن  
بکمال مقام انسانی و شهود عالم غیب و لقاء حق باید طی تمام  
مراحل مادی را در طول زمان نمود و کلاسهای مدرسه الهی را یکی  
پس از دیگری پیمود مجهولات را بنوبه خود کنار زد با معلومات  
جدید برآز آفرینش پی برد و در مقام عبودیت پروردگار قرار گرفت  
با طغیانگران و هوسبازان میدان شرك و نفاق جنگید تا انسانی  
کامل در محیطی که از هرگونه ناملایمی بدور است و تمام تنعمات  
و لذائذ را دربردارد برای همیشه زندگی نمود و در کنار رحمت  
حق بحیاء سعادت مندانه خود ادامه داد. اگر این اصل کلی را درك  
کردیم و در تمام شئون زندگی مادی و معنوی درباره آن بررسی  
نمودیم لزوم وجود امام و غیبت او را یکی از ضروریات عالم  
طبیعت دانسته و با کمال آرامش و اطمینان خاطر ایمان میآوریم که  
بایستی جهان آفرین آخرین مکتب تربیتی خود را با وجود امام  
غائبی ادامه داده و انسانها را با پنهان داشتن او بتحرك درآورد  
و برای آنها برنامه ای انسان ساز ترتیب دهد تا در کورانها و  
دوره های رنگارنگ بدنبال گمشده خود بروند و از امامی که عقل  
و نقل وجود او را برای ادامه حیاة بدیهی میدانند جستجو کنند  
و برای رسیدن باو و تشکیل حکومت عدل الهی در تکاپو باشند و

٢٠- البقره ٢٩ .

٢١- الجاثیه ١٣ .

با آراستن خود و آگاهی دادن با اجتماع بشری زمینه را فراهم سازند و اخبار غیبی خدا و پیامبر و ائمه را در جهان تحقق بخشند و برنامه غیبت را پیاده کنند بنابراین امام زمان با اخباریکه انبیاء گذشته و آخرین رسول الهی و ائمه طاهرین در طول تاریخ ابراز داشته‌اند با غیبت خود بهترین راه‌گشای عالم غیب است که انسان در جستجوی او بهمه عوالم دست می‌یابد و در نتیجه بمقام شهود میرسد خداپرست میگردد و تسلیم او گردیده و رنگ خدائی بخود میگیرد.

### نشانه قرآن و عترت

نیمه شعبان ۲۵۵ هجری حضرت مهدی عجل تولد یافته است در مدت ۲۶۲ سال گذشته پیغمبر اسلام و یازده خلیفه او هر یک بنوبه خود در تاسیس مکتب اسلام و بیان و حفظ قوانین الهی در زبانهای گوناگون که شرح و بسط آنها نیازی بکتابی خاص در باره رسول اکرم و هر یک از خلفای او دارد و به کتابی باید پرداخت که با چه شرائط در اوضاع رنگارنگ جهان با طبقات مختلف روبرو شده و توانسته‌اند آخرین برنامه الهی را که برای سازندگی جامعه انسانیت در همه ابعاد در طول تاریخ بر طبق نظام آفرینش ترتیب یافته نگهداری نموده و به نسلهای آینده بدون کوچکترین تحریفی تحویل دهند.

راستی اگر کسی دوران جاهلیت را کاملاً بررسی کند و از بعثت تا رحلت رسول اسلام را کاملاً مطالعه نماید خواهد دید که دست توانای آفریدگار هستی بخش در تمام ریزه کاریهای اسلام نمایان بوده و جز قدرت الهی و تسلیم پیامبر گرامی هیچ سبب و موجبی برای پیشرفت دین مقدس اسلام و تاسیس حکومت اسلامی در کار نبوده است.

مهمترین اصلی که میتواند این حقیقت را نمایش دهد اینست که

نبی اکرم از روز بحست باید دین خود را براساس ابدیت و نجات جامعه انسانیت در طول زمان نهاده و کوچکترین تردید و شکی که موجب تزلزل و ناپایداری باشد از او دیده و شنیده نشده است و پیوسته با کمال قاطعیت بدنیای بشریت اعلام مینمود انی قد جئتکم بخیرالدنیا والاخره<sup>۲۲</sup> من بدستور پروردگار برطبق تکوین نظامی تشریحی آورده‌ام که پیروان اسلام را در دنیا و آخرت پیروز و موفقیت همه‌جانبه نثار مسلمانان نمایم و آنها را از جهل و نادانی‌های رهایی بخشوده و بینشی که جهانی را آنطوریکه هست شناسائی نمایند و برطبق مصلحت در عرصه پهناور هستی گام بردارند.

فرمان الهی با آیات بسم‌الرحمن‌الرحیم اقرأ باسم ربك الذی خلق الانسان من علق اقرأ وربك الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم<sup>۲۳</sup> صادر گردید و پیامبر به تبلیغ رسالت خود بنام پروردگار پرداخت و کار خود را براساس نوری هستی بخش که از ضعیفترین ماده حیاتی قویترین و ارزنده‌ترین موجود عالم هستی را خلقت مینماید شروع کرد و دنیا ارزش علم را گوشزد نمود و آنها را آگاه ساخت که در سایه پیروی از مکتب اسلام همه نادانیها بدانستنی انسانی مبدل شود و انسان در عالم بوسیله قلم مجهولات خود را بمعلومات ارزنده تبدیل مینماید این دستور خلل‌ناپذیری که جهانی را بیدار و براه میاندازد و تا هستی ادامه دارد انسان بایستی از آن پیروی کند و پیامبر اسلام بدستور خدای کریم با

۲۲- المراجعات ص ۱۳۰ تفسیر برهان در ذیل آیه وانذر عشیرتک الاقربین. پیامبر اکرم پس از این جمله میگوید: کیست مرا یاری کند تا خلیفه من باشد هیچکس جواب مثبت نداد مگر امیرالمومنین. سپس رسول اسلام فرمود «ان هذا اخى و وصی و وزیرى و خلیفتى فیکم فاسمعوا له و اطیعوا. آنگاه بابوطالب طعن زدند پس از این باید از فرزندت فرمان‌بری و این رویداد را هیکل در حیات محمد (ص) چاپ اول آورده و در چاپ دوم «بعلتی؟ حذف کرده است.

۲۳- سور العلق ۱-۵ .

کمال مسالمت و آرامش بامشرکین و مردم عصر جاهلیت بکار خود پرداخت و در مقابل لثامت و خشم و تکبر و خودخواهی با روح سازش و سلامت با آنها رفتار مینمود «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر واذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين»<sup>۲۴</sup> وعباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً»<sup>۲۵</sup> ولی آنها با کمال خشونت و تندى با رسول اسلام رفتار نموده و بهمان تکبر و نخوت خود ادامه داده و با کمال جسارت «اتخذوا احبارهم و رهبانهم از باباً من دون الله» در مقابل پروردگار خدا میتراشیدند و پیامبر خدا تنها اجراء دستور الهی مینمود و با قاطعیت هرچه تمامتر میگفت «ان هو الاوحى يوحى علمه شديد التقوى»<sup>۲۶</sup> و مردم را هم دعوت بخدا مینمود «واعبد الله ولا تشركوا به شيئاً»<sup>۲۷</sup>.

در هر صورت اسلام با مبنای مسالمت آمیز خود آنقدر مورد تهاجم ستمگران و نخوت طلبان قرار گرفت که پیامبر اکرم ابتداء جمعی از اصحاب و خویشان خود را بحبشه<sup>۲۸</sup> بعنوان مهاجرت فرستاد و بعضی از آنها تا بعد از هجرت سال هفتم در مهاجرت بوده و خود پیامبر اسلام هم در روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول علی (ع) را بجای خود خوابانید و بسوی مدینه بامر پروردگار هجرت نمود و در مدینه بگفته الواقدی<sup>۲۹</sup> در ۲۷ جنگ که بنام غزوه نامیده شده شرکت کرد و ۴۷ جنگ داشت که بنام سریه نام گذاری شده که خود پیامبر

۲۴- آل عمران ۱۵۹ .

۲۵- الفرقان ۶۳ .

۲۶- النجم ۵ .

۲۷- النساء ۳۶ .

۲۸- ۲۰ سپتامبر ۶۲۲ میلادی.

۲۹- ج ۲ الطبقات الكبير القسم الاول ص ۱.

در آنها شرکت نداشته و نمایندگان حضرتش بودند و در تمام غزوات فقط در ۹ غزوه کشتار شده است.<sup>۳۰</sup>

بیست و سه سال رسول اسلام و وظیفه سنگین خود را انجام داد و مسئولیتی که بر عهده داشت با عالیترین طرحی که از غیب عالم آموخته بود برای همیشه بجهان بشریت ابلاغ کرد و برنامه‌های انسان‌سازی که در دورانهای مختلف بشر میتواند بمقام شامخ انسانی برسد چون بر طبق طبیعت پایه‌گذاری شده در ضمن قرآن و سنت بیان نمود و با دست خود و نیروی الهی که با او هر لحظه مدد میرسید توانست کلام خود را با صورتی که قابل هیچگونه تحریفی نباشد مردم مسلمان را بحفظ قرآن مامور نمود و با اینکه در صدر اسلام تعداد کتاب به ۹ نفر میرسیدند در مدینه سالهای آخر حیات رسول اکرم شماره زیادی پیدا کردند و بعنوان مختلف نامیده شده‌اند.<sup>۳۲</sup>

در روزهای آخر امیرالمؤمنین با اشاره رسول اکرم قرآن کریم را که بصورت پراکنده‌ای در بالای سر رسول اکرم بود برداشت و بامر آنحضرت در حفظ آن کوشید و باید مصحف امیرالمؤمنین که در کتب از آن نامبرده شده همان قرآنی است که رسول اکرم بدو

---

۳۰- نویسنده «السلام العالمی والاسلام» ص ۱۷۵ مینویسد: ابن عمر گفت: در بعضی از جنگها يك زن کشته دیده شد پیامبر اسلام از کشتن زنان و اطفال نهی فرمود و از بریده آورده: وقتی رسول خدا سر لشکر و امیری را در غزوه یا سریه‌ای معین مینمود باو و همه یاران و سپاهیان و مسلمانان را توجیه مینمود که بهترین رفتار را داشته باشند سپس میفرمود: بنام خدا در راه خدا جنگ کنید و با دشمن خدا مبارزه نمائید، جنگ کنید ولی غدر و مکر روا ندارید و هیچگاه فردی را مثله نکنید و بچه‌ای را بقتل نرسانید.

۳۱- بحارالانوار ۱۹ ص ۱۳ .

۳۲- تاریخ القرآن الزنجانی ص ۲۰ کتاب وحی را ۴۳ نفر میداند که امیرالمؤمنین علی و زیدین ثابت از همه افراد بیشتر ملازم رسول اکرم بوده و اهتمام در کتابت داشته‌اند.

سپرده است و خود علی آنرا گردآوری نموده است و بگفته بحار الانوار<sup>۳۳</sup> و تاریخ قرآن<sup>۳۴</sup> و اسد الغابه<sup>۳۵</sup> و الاتقان سیوطی<sup>۳۶</sup> و تولد علی (ع)<sup>۳۷</sup> نخستین گردآورنده کلام الله مجید بوده است و در زمان رسول اکرم جمع گردیده و همانطور که سیوطی میگوید ترتیب آیات توفیقی است و هر آیه‌ای که نازل میشد پیامبر اسلام محل ذکر آیت را یادآوری مینمود و اگر در ترتیب سوره اجماعی نباشد باز بدون تردید تمام قرآن جمع بوده و مصاحفی که یاد شده هر کس برای خود چون چاپی در کار نبوده مصحفی تهیه مینمود و بنام او ثبت میشده است و اختلافی باهم نداشته‌اند و داستان اسلام خواهر عمر بن الخطاب و کتک خوردن از برادر خود که چرا اسلام آورده‌ای سپس چون در خانه تفتیش میکرد برخورد بدو آیه از قرآن کریم سبح لله (سوره حدید) و طه ما انزلنا (سوره طه) آنگاه بلاغت قرآن او را باسلام آشنا ساخت. اهمیت کتابت قرآن را در عصر نبوت شرح میدهد «تاریخ القرآن».

در هر صورت کلام الهی از منبع وحی بدست مردم رسید و با کمال قاطعیت بدنیای بشریت اعلام نمود «والذین آتیناهم الكتاب يعلمون انه منزل من ربك بالحق»<sup>۳۸</sup> مردان حق پرست پینش پذیر چون بکتاب آسمانی میرسند و درباره آن تفکر میکنند درمی یابند این دستوری است که از آفریدگار جهان برای تربیت انسانها فرستاده شده و طرح ریزی آن برطبق واقع و حق است و هیچ برنامه‌ای نمیتواند جای‌گزین آن گردد آیات زیادی این مطلب را

۳۳- بحار الانوار ج ۱۹ ص ۶۱ .

۳۳- ج ۱۹ ص ۲۰

۳۴- رامیار .

۳۵- ۳: ۲۲۴ .

۳۶- الاتقان سیوطی نوع ۱۸ ج ۱ ص ۵۷ .

۳۷- تاریخ قرآن ۱۹۱ .

۳۸- سوره انعام ۱۹۴

بعناوین مختلف گوشزد مینماید.

البته درك این حقیقت آسان نیست و خود قرآن هم تصریح دارد باینکه «لایمسه الاالمطهرون»<sup>۳۹</sup> هرکس نمیتواند این واقعیت را لمس کند که قانون تشریح برطبق قانون تکوین است و آنچه در قرآن آمده از متن طبیعت گرفته شده است «فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الذين القيم» دینی که میتواند در صحنه گیتی در تمام ادوار حیات انسانها را بیدار کند و آنها را بکمال سوق دهد و در مقابل هیچ قدرت و مکتبی نلرزد بایستی با اصل فطرت مطابقت داشته باشد و برطبق سرشت انسانها طرحی انسان ساز پیاده کند.

قرآن برای اثبات حقانیت خود بدنیای انسانها هشدار میدهد که اگر باور ندارید که این کلام خداست مثل قرآن یا ده سوره یا يك سوره مانند آن بیاورید و خود این تحدی و بمبارزه طلب کردن بهترین گواه است که کلام خدا بتمام معنی با تمام خصوصیات بدون کوچکترین تحریف و اختلافی در اختیار مردم بوده و همه دشمنان با تمام نیروئی که داشته اند بهیچوجه نتوانستند خللی ایجاد کنند و یا شبهه‌ای برای انسانها پیش آورند و خوشبختانه تا امروز هم که چهارده قرن از نزول قرآن میگذرد هنوز هم دو نسخه مختلف بدست دشمن و دشمنان خونخوار که با همه قدرت بمبارزه برمی‌خیزند نیافتاده آری همان خدائی که خود قرآن را فرستاده خود حافظ و نگهبان اوست<sup>۴۰</sup> و اگر بشر میتواند دستبرد بزند و رسوا نشود و مانندی برای کلام خدا بیاورد دیگر معجزه‌ای برای اثبات حقانیت دین اسلام در عمود زمان باقی نمی‌ماند خود میفرستد و خود وسائل حفظ را فراهم مینماید و بشر کوچکتر از

۳۹- الواقعة ۷۹ .

۴۰- الروم ۳۰ .

۴۱- انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون .

آن است که بتواند با قدرتهای حیرت‌انگیز مادی خود اساس خلل‌ناپذیری که بدست هستی‌بخش جهان برپا گردیده متزلزل سازد و یا با نیرنگ و افسون حقیقت را واژگون کند نکته قابل توجه اینجاست که دین مقدس اسلام بایستی برطبق نظام آفرینش در جهان انسانیت پیشرفت نموده و انسانها را بکمال انسانی برساند و روزی باین مقام والا میرسند که خود آزادانه از دین پیروی کنند. برای اینکه پایه و اساس بحث روشن شود باید این حقیقت را قبلاً باور کنیم که جهان هستی را آفریدگاری است که تمام عوالم وجود را با نیروی هستی‌بخش خود وجود داده و عالم خالق دارد که از همه صفات جمال و جلال برخوردار و با داشتن همه کمالات از همه نقائص و کمبودیها بدور است و روی حکمت و مصلحتی که جهانی را آفریده است سنت و نظام آفرینش را با اصلی خلل‌ناپذیر مقرر داشته که «لن تجد لسنة الله تبديلا» و ان تجد السنة الله تحويلا»<sup>۲</sup> و این دستگاه آفرینش روی نظام ثابت و مستقری بحیاط خویش ادامه میدهد و راه کمال را می‌پیماید<sup>۳</sup> و هیچگاه هیچ موجودی نمیتواند بکمال هستی خویش برسد مگر اینکه طی مسراحتی را بایستی خواه ناخواه بنماید و تلاشی کند تا به هدف خلقت خود برسد در میان موجودات علوی و سفلی همه در مدارهای معین و مشخصی بدون کوچکترین اختیاری از خود گردش میکنند؛ و بسیر مادی خویش ادامه میدهند حتی حیوانات هم برای ادامه حیات و رفع نیازمندیهای خود آنچه احتیاج داشته باشند خود بخود بدست میآورند و اگر هم نیازی داشته باشند باید انسانی آنها را یاری و

۴۲- الفاطر آیه ۴۳ تبديلا ۶۲ الاحزاب .

۴۳- القمر آیه ۴۹ انا كل شئ خلقناه بقدر .

۴۴- وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى لقمان آیه ۲۹ لاجل

مسمى فاطر - والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم ۸ لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل سابق النهار ۴۰ يس .



مدد کند و در حدوث یا ادامه حیاة آنها تلاشی بنماید تنها انسان است که در میان همه عوالم وجود از خوداختیاری دارد و بااراده‌ای که پروردگار برای تکامل عالم خلقت باو عنایت فرموده از نیروی معنوی خود باضافه نیروی مادی استمداد نموده و در عرصه جهان پهناور بتکاپو افتاده و از مواهبی که خداوند در جهان در اختیار او گزارده استفاده میکند؛ تنها مسئله‌ای که در پیش راه اوست و او را از مسیر انسانی بازمیدارد همان نیروی عقلانی و هوش سرشار اوست که چون بجهان طبیعت میرسد و با هزاران هزار مجهول روبرو میشود و خود را از یک طرف ضعیف و ناتوان بتمام معنی می‌بیند و از طرفی هم روی فکر و اندیشه خام خود برای خویش راهی انتخاب میکند و در نتیجه بهلاکت و بدبختی میافتد و خود و دیگران را از راه بازمیدارد بلکه موجبات ناپودی جمعیتها و ملتها را فراهم مینماید و با نیروئی که باید صرف اصلاح زمین و زمان گردد جهانی را ویران میسازد.<sup>۴۵</sup>

پروردگار متعال که آشنای بتمام امور خلقت و اسرار آفرینش است دستگاه خلقت را با ایجاد مدرسه‌ای الهی که متکفل تربیت انسانها و راهنمایی افراد بشر میباشد<sup>۴۶</sup> کامل نموده و جهانی که خالق حکیم و دانا و بی‌نیاز دارد هرگز بدون چنین مکتبی

۴۵- سبح اسم ربك الاعلی الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی، الاعلی ۳.

۴۶- الذی خلقنی فهو یتهدین الشعراء ۷۸ الا الذی فطرنی فانه سیتهدین

الزخرف ۲۷ .

۴۷- کافی ص ۳۱۳ ج ۱ قال الصادق (ع) انا لما اثبتنا ان لنا خالقاً صانعاً متعالیاً عنا وعن جمیع ما خلق وکان ذاك الصانع حکیماً متعالیاً لم یجز ان یشاهده خلقه ولا یناله مسوه فیبأشرهم و یبأشروه و یحاججهم و یحاجوه ثبت ان له سفراء فی خلقه یعبرون عنه الی خلقه و عباده و یدلونهم علی مصالحهم و منافعهم و ما به بقاشهم و فی ترکة فنأثمهم... و هم الانبیاء علیهم السلام ثم ثبت ذالك فی کل دهر و زمان ما اتت به الرسل و الانبیاء من الدلائل والبراهین لکیلا تخلوا ارض الله من حجة ینکون معه علم یدل علی صدق مقالته و جواز عدالته.

انسان ساز نمیتواند بوده باشد چه بدون تردید موجب نقص آفریده و کمبود خلقت که نمایشگر نقص خالق است میباشد و کسی که بخدای<sup>۴۸</sup> بی نیاز هستی بخش ایمان آورده چنین منطقی رانمی پذیرد بنا بر این جهان هستی از روز نخست با چنین مکتبی الهی بسیر تکاملی خویش ادامه داده و این واحد هستی با نظامی خلل ناپذیر براه افتاده است و هر موجودی بر طبق نظام آفرینش از وجود خود استفاده نموده و از دیگر موجودات بهره برده و برای ادامه حیات مادی و معنوی خود کوشش کرده است و بشر هم با نیروی خدادادی خود میتواند از مدرسه الهی استفاده کرده و با قافله هستی همراه شده و از نیروهای گوناگون مدد گرفته تا بمقصد خویش که لقاءالله است برسد و کمال انسانی را درک کند.

همه هستند سرگردان چو پرکار پدید آرنده خود را طلبکار طبعاً رسیدن به هدف مستلزم گذراندن مراحل گوناگون حیات میباشد که سنت الهی بر آن نهاده شده است و هیچکس و هیچ موجودی بدون طی عوالمی چند نمیتواند بمرتب بالا تر و عالی تر برسد بطوریکه در نبات و حیوان کاملاً مشهود است که باید تخمی کشت شود و آبیاری گردد، هزاران شرائط مناسب تهیه شده تا درختی بارور در صحنه گیتی عرض اندام کند یا انسانی رنج و تعب و کوشش نماید تا بتواند جهان خود را بهشت برین ساخته و برای بازپسین خود جنتی به پهنای آسمان و زمین بوجود آورد.

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم مثل اللذین خلومن قبلکم مستهم الباء والضراء وزلزلوا حتی یقول الرسول و من آمن معه متی نصرالله الا ان نصرالله قریب<sup>۴۹</sup>.

۴۸- کافی ج ۱ ص ۳۳۳ عن ابی عبدالله (ع) قال: ان الله اجل واعظم من ان یتروک الارض بغير امام عادل و ص ۳۳۱ قال: ان الحجة لا تقوم لله علی خلقه الا بامام حتی یعرف.. ابن ابی الحدید در ص ۲۱۵ ج ۱۶ بیانی بسیار محکم و لطیف دارد.

۴۹- البقره ۲۱۴.

خلاصه بحث در این مقدمه این است که واحد هستی که جهان نام دارد نظامی دارد که باید تمام موجودات برطبق نظام آفرینش که علت و معلول یکدیگر میباشند بمراحل کمال برسند و خود بخود و بدون جهت نمیتوانند مرز و حدی را بدست آرند و تا جهان ادامه دارد این روش هم ادامه خواهد داشت و روز بازپسین هم نتیجه و خلاصه این عالم است که بصورت ابدیت جلوه مینماید.

پیامبر کرامی برطبق سنت الهی «انك ميت وانهم ميتون» بقاء حق واصل گردید ولی مکتب مقدس اسلام بایستی تا هستی هست در جهان باقی بماند و مردم را با حق آشنا سازد تا روزیکه کار را یکسره بدست گیرد و حکومت جهانی براساس عدل الهی در عالم مستقر سازد لذا بایستی برای زمانهای آینده تا تشکیل حکومت سرتاسری برنامه‌ای الهی بمردم خداپرست مسلمان ابلاغ گردد تا مکتب را نگهداری و انسانها را در پرتو طرحهای سودمند خود بههدف انسانی برسانند و دیگران نیز عواقب وخیم دوزی از مدرسه الهی و نافرمانی از اوامر رسول اکرم را درک کنند.

رحلت رسول اکرم ناگهان آنچنان در روحیه ملت مسلمان اثر گذاشت و کسانی که از روز نخست نمیخواستند تسلیم اوامر الهی بشوند و از خودخواهی و تکبر و نخوتهایی که از جهل و نادانی سرچشمه میگیرد دوری جویند فرصتی بدست آوردند با منطقی صورتاً مذهبی و براساس مصلحت‌اندیشی کاری نمودند که برطبق آن اساس انحرافی اصولی در مسیر اسلام پیدا شد و دین الهی بصورتی مردمی و در عین حال بساطی پرقدرت و سلطنتی پیدا کرد تا جائیکه در مقابل اعتراض مردم بخلیفه دوم نسبت بمعاوویه جواب داد هوکسری العرب.

پرتو اسلام در فصل دهم در کیفیت عقل اعراب<sup>۱</sup> از بزرگان عالم و ادب سخنانی خواندنی و پرارزش نسبت باین قوم ذکر میکند که اگر محققین درخوی این ملت دقت و بررسی نمایند عظمت مقام رسول اکرم و خدمات ارزنده او را درک مینمایند. بلکه باید گفت عالیتترین معجزه رسول اکرم پیدایش و نشوونما و تشکیل حکومت اسلامی در چنین محیط پرغوغانی است<sup>۵۲</sup>

از شعوبیه نقل مینماید که اعراب هیچوقت پادشاهی که نگهبان و حامی آنان یا مانع ظلم و تعدی باشد نداشتند صنعت و هنر و یا فلسفه و اثر دیگری هم ندارند.

ابن خلدون میگوید: اعراب بالطبع وحشی و یغماگر و مفسد هستند، آنچه را که میتوانند بدون تحمل زحمت و خطر غارت کرده و بجاهای دور فرار و پناه میبرند.

---

۵۱- این کتاب ترجمه فخرالاسلام احمد امین می باشد که خود از تعصبات جاهلیت دور نیست و همین تعصب نابجا را نویسنده جغرافیای کامل جهان (حبیباله شاملوئی) در این عصر که دنیای روز از همه خصوصیات کشورهای کوچک و بزرگ آگاهی دارند اعمال نموده و نام شیعه را در سرزمینهای شیعه نشین مانند افغانستان - هند - پاکستان - تونس و غیره حذف کرده و از ترس فقط جمهوری اسلامی ایران و عراق را نام میبرد و با این طرز فکر جاهلانه نویسنده گی و اطلاعات کشوری را در دنیا بی ارزش جلوه می دهد.

۵۲- طبری ۴/۱۶۸۷ نقل می نماید: عرو بن مسعود ثقفی که یهودی بود و ایمان به پیامبر آورد و خواست برود و قوم خود را نصیحت کند رسول خدا فرموده: تو کشته میشوی چون یهود مردمی با نخوت و متکبر می باشند او اظهار داشت من در میان قوم خود بسیار محبوب هستم. رفت هم پیمانان به بدترین وضعی او را از پای در آوردند و در آخرین نفس از او خواستند قاتل خود را معرفی کند تا بقتل برسانند او جواب داد: مدالی ارزشمند خدا بمن عنایت نموده و شهادت نصیب من گشته هرچه با سایر شهداء انجام گرفت با جنازه من انجام دهند لذا او با سایر شهداء دفن گردید. مسلمانان پنداشتند رسول خدا او را چون صاحب یس میداند که هرگز کفر نورزیده و در مقابل انجام وظیفه پاداشی نخواسته است.

اولری میگوید: شخص عرب نمونه طمع و مادیات است، او همه چیز را با يك نظر پست طمع آمیز نگاه میکند برای هیچ چیزی قائل بقدر و قیمت نمی باشد.

و در پایان از الوسی نقل میکند: که اعراب از حیث عقل و خرد بهترین مثل عالم محسوب و از حیث فصاحت و بلاغت واجد فهم عدیم النطیر میباشند.

در هر صورت در چنین شرائط حکومتی هر قدر مشکل و معجزه اساسا تشکیل گردد و نیروی غیبی تصرفی بتمام معنی در روح مردم سرکش بنماید و افکار روشن دانایان و حنفاء را شکوفا سازد ولی نکه داری و پاسداری ان پس از رسول احرم بمراتب مشکندر و مسئولیت جانشینان رسول اسلام حقا سنگین و طاقت فرسا است زیرا عقده ها که بمناسباتی شدید و پیچیده تر شده هر يك موقع بدست آورده و با صورتی میخواستند عقده کشائی کنند و جبران گذشته خود را نمایند و چون از هر فید و شرطی خود را ازاد می بینند بهر کاری دست میزنند هر جنایتی مرتکب میشوند و دانایان هم در مقابل نمیتوانند ازادانه کاری انجام دهند آنها پابند باصول دین و انسانی هستند و باید نظام الهی را اجراء کنند تا امانت را بنسلهای آینده همانطور که گرفته اند تسلیم نمایند.

خداوند متعال که تضمین حکومت حق را نموده همانطور که در تمام ادوار خلقت انبیاء رهبرانی زمان شناس که از هر جهت بسا محیط و زمان آشنا بوده و میتوانند مقررات الهی را بدون کوچکترین تصرفی اجراء کنند در اینموقع هم پیشوایانی معصوم و دانایانی که از هرگونه نقصی و عیبی برکنار بوده برگزیده

است و بوسیله پیامبر اسلام آنها را ب مردم معرفی کرده است<sup>۵۳</sup> و علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) در الفین بالغبر ۱۰۳۸ دلیل بر عصمت امام آورده و در غایة المرام روایاتی که از طرق سنت و جماعت رسیده و همچنین احادیثی که از طرق شیعه رسیده با مدارك معتبر نقل مینماید.

ائمه اطهار در طول دو قرن و نیم هر يك بنوبه خود در مقابل طوفانهای بلا و مصیبت برای پاسداری دین و دینداران بمبارزه با اهریمنان گرگ-صفت پرداخته و هر کدام بر طبق شرائط محیط سیاسی خاص اتخاذ کرده و با طاغوت زمان جنگیده اند و با وضعی خداپسندانه حق را از باطل جدا ساخته تا ابرهای تیره و تار فصلهای مختلف نتوانند از نورافشانی خورشید هدایت الهی جلوگیری کنند بلکه در هر زمان و هر موقعیتی که بوجود آمده باز حق جلوه گر بوده و حق پرستان میتوانند گرد حق آیند و باطل را بجبهائی نمودار سازند و آنچنان این ادوار مختلف در طول چند قرن دارای ابعاد گوناگونی بود که میتوان گفت پیوسته روزگار در گذشته و حال و آینده بهمین منوال میگردد و مانند هم رنگهای گوناگونی پیدامیکند گاهی ضعیف تر و زمانی سیر تر و تند تر میشود ولی آنچه در این چند قرن گذشته دیده میشود نمونه هائی است که قبل از این روزگار بخود دیده و بعد از اینهم خواهد دید اختلاف آنقدر ناچیز است که ناگفتنی است بهمین جهت تمام نمایندگان الهی با داشتن هدف واحد برای انجام مسئولیتی که بر عهده داشتند

۵۳- در امالی مفید ص ۱۱۰ از رسول خدا نقل میکند پس از اینکه اسامی ائمه را در متن حدیث می آورد: بکم یفتح هذا الامر و بکم یختم علیکم بالصبر فان العاقبة للمتقین. انتم حزب الله و اعداؤکم حزب الشیطان طوبی لمن اطاعکم و ویل لمن عصاکم، انتم حجة الله علی خلقه و العروة الوثقی، من تمسک بها اهتدی و من ترکها ضل. روایاتی که از طریق سنت و جماعت رسیده و هم چنین احادیثی که از طرق شیعه رسیده با مدارك معتبر نقل می نماید.

برنامه‌ای خاص ترتیب داده و حق را نشان داده‌اند تا جائیکه اگر امامی بجای امام دیگر می‌نشست همان برنامه را اجراء مینمود و در باب حدیث آمده که اگر از امامی روایتی رسید میتوانیم بامام دیگر نسبت دهیم چون همه از يك منبع و از یکدستگاه فرستنده صحبت میکنند ولی رنگ‌آمیزی و تغییر صدا مربوط بزمان و محیط است خداوند در قرآن کریم خود میفرماید: ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله تلك الايام نداولها بین الناس ولیعلم الله الدین آمنوا ویتخذ منکم شهداء والله لایحب الظالمین. سوره آل عمران ۱۴۰.

بحث بررسی در زمانهایی که ائمه مسئولیتی داشته‌اند آنقدر گسترده و وسیع است که تحقیق‌گرایان بایستی در این راه مساعی خود را بکار اندازند و با مراجعه بتواریخ وارده و مطالعه در اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان امام در جهان حقیقت را درک کنند و بعظمت مقام امامت و روش خداپسندانه‌ای که باید در آنروز طبق مصلحت اتخاذ گردد پی برند و بدان مباحثات کنند و در آینده با مقایسه شرائط و اوضاع از روش الهی آنها پیروی نمایند و عصر خود را با عصر یکی از ائمه تطبیق دهند.

بگذارم بگذرم این بحث دقیق دامنه‌داری است که بایستی در فرصتی مناسب خدای توفیق عنایت فرماید تا در این باره کتابی جدا و مستقل که همه جوانب را دربر داشته باشد نوشت.

### امام زمان حکومت را بدست میگیرد

در سال ۲۶۰ هجری حضرت مهدی عجل بفرمان خدای متعال عهده‌دار منصب امامت میشود و بایستی دین خدا را براساس کتاب و عترت حفظ کند و مردم را با خدا آشنا کند از طرفی برطبق نظام الهی و سنت آفرینش مردم تا سرحدی که ممکن است با اراده و اختیار بکمال سوق دهد تا وضعی پیش نیاید که انسانی بجرم

دیگری از مکتب دور گردد و یا مجرمی بدست مؤمنی موقعیت پیدا کند از طرفی کلام الهی و پیامبر گرامی و ائمه طاهرین هر یک بصورتی وضع او را شرح داده و با منطق آنچه رسول خدا میگوید وحی الهی است سخن خدا که بوسیله نمایندگان معصومش بجهانی اعلام گردیده جامه عمل بپوشد و حکومت جهانی براساس عدل گسترده تشکیل گردد و همه ستمگران ذلیل و مؤمنین و مردان خداپرست وارث زمین گردند و حق بحق دار برسد تحقق یافتن چنین برنامه‌ای که صدها کتاب، از شیعه و سنی و دیگران در باره آن نوشته شده و تمام کتب اسلامی که در موضوعات مختلف نوشته شده راجع بحضرت مهدی عج مطلبی آورده‌اند بسیار مشکل و جز کسیکه از غیب عالم مدد میگیرد و با سرچشمه هستی ارتباط دارد هیچکس نمیتواند در اینخصوص نظری بدهد و کاری انجام دهد.

## امام زمان و مخالفین

همانطور که از روز بعثت نبی اکرم بلکه از نخستین روز خلقت دیده و تجربه شده در مقابل حق باطل خودنمایی نموده و بالطبع مردم طغیانگر برطبق معمول تن بقضاء الهی نمیدهند و بمبارزه میپردازند و چون در کار خود آزاد و از هر خیانتی روگردان نیستند و پایبند اصول انسانی نمی‌باشند برطبق نظام مادی «الحکم لمن غلب»، هرکس زورش بیشتر و نافرمانیش زیاده‌تر باشد ناچار غلبه میکند و برحق چیره میگردد و تا آنجائیکه حق بکلی از بین نرود و همه آزمایش‌ها شوند خدای متعال مهلت عنایت

---

۵۴- در کتابنامه امام مهدی (عج) ۳۵۵ کتاب و رساله را نام میبرد که همه به چاپ رسیده و در اختیار است و کتابهای ذکر شده را به ۱۹ موضوع تقسیم و برای تحقیق گرایان قابل توجه است.



میفرماید «ولیبتلی الله ما فی صدورکم ولیمحص مافی قلوبکم والله علیم بذات الصدور»<sup>۵۵</sup> بنابراین حضرت مهدی عج باید در صدر برنامه خود مسئله پنهانسی از انظار را مطرح کند و روی اصل غیبت حکومت خود را تثبیت و تحکیم نماید «تا فرمان خدا جامه عمل پیرشد» ولیمحص الله الذین آمنوا ویمحق الکافرین<sup>۵۶</sup> وگرنه مانند ائمه طاهرین در مقابل دشمنان سرسخت اسلام که بنامهای گوناگون طغیان می نمایند باید روشی اتخاذ نماید که سرانجام شهید و مسموم گردد.

ولی با از بین رفتن او بندگان خدا دیگر فرصتی برای آزمایش شدن ندارند و کفار هم مهلتی برای آشنا شدن با مکتب الهی نخواهند داشت چه در هر صورت زمان و فرصت لازم است تا انسان حقیقت را در لابلای رویدادهای جهان بدست آورد.

### پاسدار قرآن و عترت

امام زمان علیه السلام همانطور که گفته شد از عصر پیامبر اکرم تا یازدهمین خلیفه او امام حسن عسکری علیهم السلام الله همه و همه بدنبال قرآن کریم در باره حضرتش و غیبت او سخن گفته و زمان غیبت را طولانی معرفی کرده اند بنابراین بایستی امام نگهبان قرآن و عترت بوده و ب غیبت خود تحقق بخشد تا وعده الهی فرارسد و حکومت جهانی تشکیل گردد.

### ۱- غیبت از نظر قرآن کریم:

استفاده‌هایی که دانشمندان و مفسرین بمدد اهل بیت علیهم السلام از سخن خدا نموده‌اند بسیار جالب و در کتب مفصله بیان

۵۵- آل عمران ۱۵۴ .

۵۶- آل عمران ۱۴۱ .

شده و اگر حافظه ام خطا نکند در حدود ۱۶۶ آیه کریمه مورد بحث علامه مجلسی قدس سره درباره امام زمان علیه السلام قرار گرفته است» اکنون در این مختصر استفاده‌ای را که خیلی روشن بنظر میرسد برای خوانندگان عزیز شرح داده و توضیح و تکمیل آنرا بعهده جوانان پرشور و علاقمند وامیگذارم.

خداوند اطاعت ولی امر را بنص صریح قرآن بر همه مسلمانان در هر عصر و زمان و موقعیت فرض نموده و با کمال صراحت اعلام داشته اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» و چون دین اسلام ابدی و غیر قابل نسخ است پس باید ولی امری وجود داشته باشد تا اطاعت او واجب گردد خواه این امام در انظار مردم جلوه کند و خواه از نظرها پنهان باشد» ولی آنچه لازم و ضروری است و قابل هیچگونه توجیهی نمی باشد وجود امامی است که خلیفه رسول خدا و نماینده خدا و ولی امر از طرف خدا باشد همه مسلمین بصریح کلام خدا باید از ولی امر اطاعت کنند در اینجا ممکن است شبهه‌ای پیش آید که آیه اثبات وجوب اطاعت ولی امر را می نماید اما ولی امر امام معصوم باید باشد بچه صورت میتوان

---

۵۷- علامه مجلسی ۱۱۴ آیه در جلد سیزدهم نقل میکند و خود درباره ۱۶۶ آیه سخن میگوید (همه در انتظار اویند ص ۵۹) و در ینامبع الموده (۵۰۵- ۵۲۸) در باب ۷۱ آیاتی را که تاویل بحضرت شده با روایات ذکر میکند و در باب ۷۲ احادیثی را که صاحب مشکوة المصابیح نقل نموده و در باب ۱۷۳ احادیثی را که صاحب جواهر العقدين نقل و در باب ۷۴ آنچه امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه یاد نموده و در باب ۷۵ مصائبی که باهل بیت علیهم السلام تا زمان حضرت قائم میرسد آورده است.

۵۸- النساء ۵۹ .

۵۹- البحار ج ۵۲ ص ۹۲ عن الصادق علیه السلام قال، لم تخلوا الارض منذ خلق الله آدم من حجة لله فیها ظاهر مشهور او غائب مستور و لا تخلوا لی ان تقوم الساعة من حجة لله فیها و لولا ذلك لم یعبده الله قال سلیمان. فقلت للصادق علیه السلام. فکیف ینتفع الناس بالحجة الغائب المستور. قال، كما ینتفعون بالشمس اذا سترها السحاب.

اثبات نمود خداوند خود جواب این شبهه را داده و آن تنازع تم فی شی فردوه الی الله والی الرسول ۶۰ اگر در شناخت امام و پیشوای خود اختلاف نمودید و مورد نزاع قرار گرفت که معصوم باید امام باشد یا قدرتمندی که شمشیر بدست گرفته و مردمی را اسیر خود نموده باز شما رجوع کنید بکتاب خدا و سنت رسول تا بتوانید درك کنید خدای بی نیاز حکیم دانا برای شما معصومی را معین نموده که خود تضمین عصمت و کفایت او را کرده است.

بنابراین در هر زمان امامی منصوب از طرف پروردگار وجود دارد و اگر از انظار دور باشد غیبت او روی مصالحی که خدا و خود او میداند و گوشه‌ای از آنرا برای ما شرح داده‌اند بوده و برای تکامل انسانها ضرور بنظر میرسد تا باگذشت زمان بتوانند حقائق را درك کنند.

— فخر رازی صریحاً اظهار میدارد. فثبت قطعاً ان اولی الامر المذکور فی هذه الایه لایسد و ان یكون معصوماً — با استدلال منطقی و قطعی ثابت مینماید که مراد از ولی امر که خداوند اطاعت او را واجب نموده باید امام معصوم باشد سپس برای اثبات مذهب خود میگوید. ولی امر یا باید مجموع امت باشد، یا بعض امت، و چون وجوب اطاعت ولی امر بستگی بشناسائی او دارد و ما نمیتوانیم در این زمان با او دسترسی پیدا کنیم بنابراین کشف میکنیم معصومی که باید با امر خدا از او اطاعت کنیم طائفه‌ای از طوائف مسلمین و یا گروهی از مسلمانان نخواهد بود بلکه مراد از فرمان الهی (اولی الامر) اهل حل و عقد، سرمداران اجتماع

میباشند و از اینرو قطع پیدا می‌کنیم که اجماع امت حجت است.

### اشتباه مردان بزرگ امتی را بخطر میاندازد

سخن در اینجا بسیار است و باید اهل تحقیق مراتب را بطور روشن بیان نموده و مورد بررسی قرار دهند تا راه‌گشای مردان حق‌پرست در جهان انسانی باشد.

مختصراً باید گفت فرمانده و امام باید بنص صریح قرآن معصوم بوده و در تمام اعصار و زمان این نیاز برای اجتماع وجود داشته و دارد و هیچگاه بشر نمیتواند در جهانی بدون حجت معصومی زندگانی انسانی الهی داشته باشد و پس از پیامبر اکرم (ص) علی (ع) معصوم وجود داشت و خود در تفسیر بسم‌الله الرحمن الرحیم ص ۲۰۷ میگوید، ومن اتخذ علیاً اماماً لدینه فقد استمسك بالعروة الوثقی فی دینه و نفسه، و در ص

۶۱- (المسألة الثالثة) اعلم ان قوله (واولى الامر منكم) يدل عندنا على ان اجماع الامة حجة والدليل على ذلك ان الله تعالى امر بطاعة اولى الامر على سبيل الجزم فى هذه الاية و من امر الله بطاعته على سبيل الجزم والقطع لا بد و ان يكون معصوما عن الخطاء اذ لو لم يكن معصوماً عن الخطا كان بتقدير اقدامه على الخطا يكون قد امر الله بمتابعته، فيكون ذلك امرا بفعل ذلك الخطا و الخطاء لكونه خطا منهي عنه، فهذا يفضى الى اجماع الامر و النهي فى الفعل الواحد بالاعتبار الواحد، وانه محال، فثبت ان الله تعالى امر بطاعة اولى الامر على سبيل الجزم، و ثبت أن كل من امر الله بطاعة على سبيل الجزم و جب ان يكون معصوما عن الخطا، فثبت قطعاً ان اولى الامر المذكور فى هذه الاية لا بد و ان يكون معصوما، ثم نقول: ذلك المعصوم اما مجموع الامة او بعض الامة لاجاز ان يكون بعض الامة، لاننا ان الله تعالى اوجب طاعة اولى الامر فى هذه الاية قطعاً، و ايجاب طاعتهم قطعاً مشروط بكوننا عارفين بهم و قادرين على الوصول اليهم والاستفادة منهم و نحن نعلم بالضرورة اننا فى زماننا هذا عاجزون عن معرفة الامام المعصوم عاجزون عن الوصول اليهم، عاجزون عن استفادة الدين والعلم منهم، و اذا كان الامر كذلك علمنا ان المعصوم الذى امر الله المؤمنين بطاعته ليس بعضاً من ابعاض الامة ولا طائفة من طوائفهم و لما بطل هذا و جب ان يكون ذلك المعصوم الذى هو المراد بقوله (واولى الامر) اهل الحل و العقد من الامة و ذلك يوجب القطع بان اجماع الامة حجة.

۲۰۵ اظهار میدارد (ومن اقتدی فی دینه بعلی بن ابیطالب فقد اهتدی) والدلیل علیه قوله علیه السلام. اللهم ادر الحق مع علی حیث دار، چگونه دانشمندی مانند فخر رازی گفته خود را فراموش میکند و نمیگوید مراد از ولی امر امام معصوم است و پس از پیغمبر وجود داشته و اطاعت او واجب بوده زیرا بدون تردید امت اسلامی با و دسترسی داشته و میتواندستهاند معارف اسلامی را از او فرا گیرند و هیچ کس غیر از دوازده امام ادعای عصمت ننموده و دیگران هم آنها را معصوم تاکنون معرفی نکرده اند<sup>۶۲</sup> دیگر جایی برای توجیه اولی الامر بمجموع امت باقی نمیماند و اگر از این مطلب هم صرف نظر کنیم مگر اهل حل و عقد تمام امت میباشد با چه منطقی میتوان اهل حل و عقد را اولی الامر دانست و اجماع امت را حجت الهی قلمداد کرد و تنها یک روایت مجعول قابل تاویل، لاتجتمع امتی علی الخطاء میتواند چنین اصل اساسی را پایه گذاری کند آیا اگر این روایت صحیح باشد معنایش این نیست که هیچگاه امت من در خطا و نادرستی و اشتباه اجتماع نمی نمایند بلکه دسته ای هر چند کم باشند در میان آنها یافت میشود که نمایشگر حق باشند و جهانی را با معارف اسلامی آشنا سازند در هر صورت اهل حل و عقد هم بعضی از امت میباشدند و باز اشکال بحال خود باقیست، پس از اینکه پذیرفتیم باید ولی امر معصوم باشد مگر اجماع امت بر فرض محال اگر صورت بگیرد یا اهل حل و عقد رای دهند عصمت حاصل میشود و معصوم حکومت میکند، هرگز چنین ادعائی از خردمندی سر نمیزند مخصوصاً کسانی که خود در جهان گذشته و در آینده دیده اند چگونه مردم انتخابات را میگذرانند و منتخبین چه کسانی هستند - نکته قابل

۶۲- شذرات الذهب ج ۱ و ۲ ص ۱۴۱: پس از اینکه از ائمه نام میبرد میگوید: او پدر امام منتظر است و شیعه (الرافضه) عصمت را فقط در این ۱۲ نام میشناسند.

توجه اینجاست چگونه میتوان امری که محال و غیر ممکن است خداوند حکیمی از پیروان مکتب الهی بخواهد و اطاعت را واجب سازد در صورتیکه اینگونه او امر که موضوع آن تحقق پیدا نمیکند و وجودی ندارد از افراد عادی عاقل هم صادر نمیشود چه رسد به پروردگار عالم آفرینش که با دست توانای خود انسان را آفریده است، مشکلی که برای ایندسته از مردم پیش آمده آن است که در زمان وجود ائمه طاهرین علیهم صلوات الله روی تعصبات و اغراض گوناگونی بدر خانه دیگران رفته و بساطی دیگر گسترده اند و در زمان غیبت هم دستاویزی بدست آورده و توجیهی برای حق کشی دیگران و عدم تبعیت از حق نسبت بخود نموده اند در صورتیکه قرآن کریم اختصاصی بزمان و مکانی ندارد و طایفه و جمعی را مسئول ننموده بلکه نسبت به پیروان مکتب اسلام بطور عموم با کمال صراحت و جوب اطاعت ولی امر را اعلام داشته و ناچار باید اعتراف نمود که در هر زمان این ولی امر وجود دارد و اطاعت او بر ما واجب است و گرنه فرمان خدای حکیم موردی نخواهد داشت، اعاذنا الله من شرور انفسا.

## ۲- غیبت از نظر احادیث

رجال حدیث از شیعه و سنی آنقدر درباره حضرت مهدی سلام الله علیه و غیبت او احادیث در مجامع خود آورده که تواتر معنوی آن بر همه اهل علم پوشیده نیست و بعضی از دانشمندان بنام کتبی ارزنده در این موضوع تهیه نموده و همه اخبار را گردآوری نموده و به جامعه بشریت خدمتی بسزا انجام داده اند علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در کتاب دائرة المعارف شیعه که بنام بحار الانوار نامیده است در ضمن ده باب اثبات وجود مقدس امام زمان (ع) و حالات او را از روایات وارده از رسول اسلام و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین

نموده است علامه مظفر در عقائد الامامیه ص ۷۷ میگوید:  
 مهدی (عج) پسر امام حسن عسگری بتواتر از پیامبر ص و ائمه  
 رسیده و مولود فکر شیعه نیست لذا دیگران هم مانند  
 کیسانیه عباسیین جمله‌ای از علوین این عقیده  
 را دارند و لزوم وجود مهدی برای قدرت اسلام امری  
 طبیعی است و طول عمر او معجزه است که طب نفی نکرده بلکه  
 امروز اثبات عمر نوح او معجزه است که طب نفی نکرده بلکه  
 قرآن خبر داده و اگر کسی شك کند علی‌السلام السلام است.  
 بنابراین با تواتریکه در نزد شیعه و سنی ثابت است شك و تردید  
 درباره آنحضرت تنها از روی عناد و دشمنی سرچشمه میگیرد و  
 تمام دانشمندان اینگونه اشخاصی که با تصریح پیغمبر (ص) و  
 ائمه (ع) باز انکار مینمایند مورد انتقاد و باتعابیر زشت و زیبائی  
 قول آنها را مردود مینمایند.<sup>۶۳</sup>

**فهرست روایاتی که مشخصات حضرت مهدی (عج) در آنها وارد  
 شده است با ذکر ارقام و تعداد احادیث**

- ۱- روایاتی که از ظهور او بشارت می‌دهد ۶۵۷ حدیث
- ۲- او از فرزندان علی است « ۲۱۴
- ۳- او از اهل بیت پیامبر است « ۳۸۹
- ۴- او از فرزندان فاطمه است « ۱۹۲
- ۵- او نهمین فرزند حسین بن علی است « ۱۴۸
- ۶- او از فرزندان زین‌العابدین است « ۱۸۵
- ۷- او از فرزندان حسن عسگری است « ۱۴۶
- ۸- اجداد امام حسن عسگری را بیان کرده است « ۱۴۷
- ۹- جهان را از عدالت پر می‌کند « ۱۳۲

۶۳- منتخب‌الآثر فی‌الامام الثانی عشر - محاضرة حول المهدی (کتابخانه  
 چهل ستون).

- ۱۰- غیبت او طولانی است « ۹۱
- ۱۱- عمر طولانی دارد « ۳۱۸
- ۱۲- دین اسلام بوسیله او عالمگیر می شود « ۴۷
- ۱۳- امام دوازدهم آخرالائمه است « ۱۳۶
- ۱۴- روایاتی که حاکی از ولادت او می باشد ۲۱۴ حدیث ۶۴

### اخبار غیب و امام زمان عج

راستی امام زمان در سال ۲۶۰ هجری بدنیا آمده تمام روایات و اخباریکه در شئون آنحضرت از رسول اسلام و ائمه طاهرین رسیده قبل از ولادت آنحضرت است آیا وقوع این حوادث بعد از ولادت، موجب ازدیاد اعتقاد بمبانی غیبی و دنیای وحی و الهام الهی نمیگردد؟ آیا موضوع غیبت که مورد اخبار بسیار زیاد و متنوعی است و پس از ولادت حضرت اتفاق افتاده و پیش از بدنیا آمدن آنگونه درباره آن پیامبر و امام بحث نموده و اختلاف مردم را در زمان غیبت بیان کرده و وظیفه شیعه را معین ساخته و حتی مسئولیت فقها و راویان حدیث را در چنین زمانی شرح داده همه و همه خصوصیات که از موافق و مخالف رسیده دیگر جای شبهه ای باقی می ماند. آری اگر انسانی با مبداء غیب آشنا نبود و آنطور که باید نسبت به پروردگار و اعمال او شناختی نداشت و میخواست روی عقل نارسای خود سخنی بگوید بدون تردید گرفتار اشتباهاتی میشود که نمیتواند با میزان درایت خویش آنرا تحلیل و تجزیه کند و حق را بدست آرد، پیامبر اکرم سوگند یاد مینماید، بخدائی که مرا مبعوث نموده برحسب عهده که بسته شده و برطبق آن نظام تکوین و تشریح برقرار گردیده هر آینه فرزند من قائم آل محمد غیبت مینماید و آن چنان غیبت او بطول می انجامد که بیشتر



مردم فریاد میزنند که احتیاج و نیازی به آل محمد برای خدای بزرگ نیست و جمعی هم در ولادت او شك مینمایند هرکس زمان او را درك نمود باید بدین سخت متمسك گردیده و مواظب باشد که شیطان در دل انسان رخنه نکند، چه اگر شیطان راه یافت بدون تردید اسلام را از او میگیرد و او را از دین من خارج مینماید همانطور که آدم را از بهشت بیرون نمود خداوند شیاطین را بر کسانی که ایمان بخدا نیاورده اند مسلط گردانیده است.<sup>۶۵</sup>

### شافعی و امام عصر عج

علامه مجلسی از کتاب کفایه الطالب شافعی نقل مینماید که اجماع امت اسلامی از شیعه و سنی است که حضرت عیسی به امام زمان (ع) اقتدا نموده و در جهاد با دشمنان اسلام پیشی میگیرد. در اینجا بحثی پیش می آید که آیا امام افضل است یا اماموم ومفصلاً در این باب سخن گفته و افضلیت امام را ثابت نموده است.<sup>۶۶</sup> توجه کنید از لحاظ اختیار هیچگونه تردیدی نیست به همین جهت که اصل مطالب مسلم بین کافه مسلمین است جمعی بفکر ساختن مهدی افتاده و حتی گاهی فرزندان خود را بنام مهدی نامیده اند بلکه بتوانند برای خود موقعیتی بدست آرند در هر صورت از نظر روایات جای شبهه و تردید نیست و مسلمان نمیتواند در وجود حضرت و غیبت آن بزرگوار تردید نماید.

۶۵- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۸ قال النبی (ص) والذی بعثنی بالحق بشیراً لیغیبن القائم من ولدی لعهد معهود الیه منی حتی یقول اکثر الناس مالله فی آل محمد من حاجة، ویشک آخرون فی ولادته فمن ادرك زمانه فلیتمسک بدینه ولا یجعل للشیطان الیه سبیلاً بشکة، فیزیله عن ملتى ویخرجه من دینی فقد اخرج ابوبکم من الجنة من قبل وان الله عزوجل جعل الشیطان اولیاء للذین لا یؤمنون.

۶۶- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۹.

### ۳- غیبت از نظر تکامل انسان:

همانطوریکه آدمی روی محدودیتی که دارد نمیتواند حقائق و اسرار آفرینش و رموز حیاة موجودات را از نظر تکوین و تشریح دریابد درباره نقش غیبت هم بطور قاطع نمیتواند سخن بگوید و یا علتی را منحصرأ بیان کند و تنها خداست که به تمام رموز و دقائق آشناست و همه واقعیات را می بیند و وجود میدهد و روی مصالح و حکمی که تشخیص مینماید مطلبی را درخور فهم انسان و ظرفیت افراد بیان میکند و کسانی که در کتاب و سنت غور مینمایند و در پناه اهل بیت مسائل مذهبی را بررسی میکنند متناسب روحیه و فکر خود گوشه ای از بحر مواج عوالم غیبی را مشاهده مینمایند.

در هر صورت غیبت امام را بعضی گویند برای کمال مقام امامت است و برخی برآنند که برای تکامل امت اسلامی و جهان انسانی است درباره گفتار و عقیده اول آنچه تفحص شد چیزی در آیات و اخبار بنظر نرسید و پیامبر و امام با ارتباطی که به عالم غیب دارند بدون تردید بعوالم وجود آگاهی داشته و خود در مرحله کمال قرار گرفته و پیوسته بمراتب بالاتر و بالاتر ارتقاء پیدا نموده و در هیچ زمان و مرحله ای نیاز و کمبودی در رهبری و نگهبانی دین اسلامی و ملت مسلمان ندارند بلکه بصریح عقل و نقل امام در نظر شیعه افضل و اکمل افراد بوده و گرنه تقدیم مفضول بر فاضل از قبایح اولیه است و هیچگاه خدای متعال چنین دستور ناشایستی نمیدهد همانطور که نمیتوانیم بگوئیم که پروردگار متعال با خلقت جهان هستی و پدید آوردن موجودات گوناگون بمقام بی نیازی مطلق و جامعیت صفات کمال و جمال میرسد بلکه باید گفت همه موجودات جلوه گاه تحقق بخشیدن آثار

ربوبی است و معصوم هم خلیفة الهی<sup>۶۷</sup> است که با عنایت و فیض الهی ربوبی در عالم امکان از واجب الوجود هستی گرفته و بانسانها تربیت و آگاهی داده و در این مرحله جز بذات اقدس ربوبی بهیچ موجودی نیاز ندارد آری رسیدن به این مقام و درجه گزاف نیست و باید طی مراحل نمود و پذیرش فطری و کسبی داشت تا در جهان هستی نقش هستی بخش را آنطور که فرمان گرفته اجرا نماید در هر صورت باید در این باره تنها بگفتار خود آنان پرداخت و آنها را از دیدگاه قرآن و سنت شناخت چه ما با محدودیتی که داریم نمیتوانیم شناخت کامل بدست آریم.

## آثار غیبت

موضوع اساسی که باید در پیرامون آن بحث نمود و برای ما بسیار ضروری بنظر میرسد اثر غیبت امام در سیر تکاملی امت اسلامی است بطوریکه گفته شد و محسوس است در عالم خلقت سنتی و نظامی برقرار است که هیچگاه این نظام آفرینش تغییر پذیر نیست و ناچار باید برای بدست آوردن میوه‌ای شاداب دانه‌ای کاشت و شرائطی را بوجود آورد و موانعی را از بین برد و زمانی را انتظار کشید تا از آن ثمره‌ای نیکو بدست آورد و بدنبال آن نسلهائی زیبا و زیباتر تربیت و توسعه داد و همینطور در حیوانات و جمادات، خانه‌ای را نمیتوانید بدون گذشتن زمان تهیه کنید بلکه با استفاده از تجربیات گذشتگان برای خود در مدت کوتاه و بلندی خانه‌ای درخور زحمت و فکر خود بنا مینمایند در تمام این مراحل در موجودات و پدیده‌هائی که بشر در وجود آنها از لحاظ مادی و معنوی دست دارد انسان نقش موثری داشته و باید برای

۶۷- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱ قال رسول الله صلی‌الله علیه و آله یخرج المهدي و علی رأسه غمامة فیها منادینادی هذا المهدي خلیفة الله فاتبعوه.

تکمیل نقشه و بدست آوردن مصنوعی عالیتر کم نقص تر فعالیت و کوشش خستگی ناپذیر داشته باشد تا در نتیجه به مجهولات پی برد و در حدود استعداد خود و استفاده از تجربه هائی که شده بزندگی بهتر و عالیتری نائل آید و ناکامیهای خود را از موفقیتهای مادی خویش تامین کند. مشکلی که در پیش پای بشر است این است که باید در مقابل غرائز و شهوات کنترلی وجود داشته باشد که از مرز انسانی دور نگردد و سرمایه خود را بیهوده تلف نکند و گرنه مانند رودخانه ای میباشد که طغیان نموده و با سیلابهای ویران کننده اگر سدی محکم و قوی مسیر آب را کنترل ننماید باچار شهر، مزرعه، انسان، حیوان را طعمه امواج سهمگین خود قرار میدهد سرانجام هم آنها بهدر رفته و خشکی سرزمینها را فرا گرفته هم تمام آثار حیات را از نبات و حیوان و انسان را از بین برده است. در اینجا اندیشمندان تا میتوانند سدهائی مطابق زمان میسازند و زیر نغمههایی میزنند تا در حد توانائی حیاة موجودات نیازمند را تامین کنند.

### انسان با اراده خود ساخته میشود

دین مقدس اسلام برنامه انسان سازی را در سطح گسترده و برنامه وسیعی انجام داده و بدنیای بشریت راه بهره برداری از جهان طبیعت را آموخته و حدود<sup>۶۸</sup> و مرز فعالیت را با تمام خصوصیات بیان کرده است و هیچگونه اکراه و اجباری برطبق نظام آفرینش اعمال ننموده است و برطبق عادت بهترین روش را در تربیت و تهذیب اخلاق فاضله آموخته و صلح و جنگ را در موارد لازم پیش بینی کرده است و در هیچ موردی از راه طبیعی

---

۶۸- البقره ۲۵۵ لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی (الفاطر ۱۸) و من تزکی فانما یتزکی لنفسه.

انحرافی پیدا نکرده، و از همه خواسته است که با میل و اراده خود گامهای اساسی بردارند و اگر کسانی در مقابل برنامه الهی میایستادند مردم خداپرست هم بمبارزه برطبق متعارف میپرداختند گرچه در همه موارد، صلح و جنگ پیروزی و موفقیت واقعی با مسلمانان بود و همیشه در تمام صحنه‌ها در شکست و فتح آنها به هدف خود نزدیکتر میشدند ولی روی همان نظام آفرینش صورتاً شکست میخوردند کشته میشدند و گاهی بزنندگان میرفتند زمانی هم بدتر از زندان پست میگرفتند تادرادوار گوناگون و صحنه‌های مختلف رهبران الهی هر يك بنوبه خود آنچه در زمان آنها بهترین روش برای سازندگی انسانها و حفظ مکتب بود انجام داده و بدون کوچکترین مسامحه و ملاحظه‌ای عالیترین نقشه‌ها را طرح نموده و از شمشیر تیر نیزه دشنام و ناسزا شکنجه زندان بهیچوجه تغییر مسیر نداده و راهی که آخرین راه نجات بود پیش گرفتند و به همه پیروان خود و مسلمانان دوراندیش راه حفظ مکتب و دین را در زمانهای مختلف آموختند تا خردمندان با بررسی اوضاع و احوال جهان بتوانند راه خدائی را تشخیص دهند تنها مسئله رهبری و کنترل شدید مسائل سیاسی و اصولی دین بود در چنین زمانی نوبت بدو ازدهمین امام رسید هر روشی که مانند گذشتگان خود اتخاذ مینمود، بسرنوشت آنان بدون تردید مبتلا میشد و بالاخره بشهادت میرسید. چون نباید از قانون طبیعی تجاوز کند و یا نیروی مافوق طبیعت همه را نابود سازد.

### بحث را چگونه باید دنبال کرد؟

در اینجا باید عمیقتر بررسی نمود و بحث را با منطقی رساتر دنبال کرد. قبلاً باید یادآور شد که ما را نمیرسد وظیفه‌ای برای امام تعیین کنیم و در هر مورد و پیش‌آمدی باید آنچه را از انجام داده آخرین راه علاج دانسته و وظیفه الهی او بدانیم که بصلاح

امت و دین است و روی مشیت الهی و عصمتی که دارد حق را تشخیص داده و بدان عمل نموده است ولی از نظر بحث دینی و بررسی مسائل مذهبی با استفاده از آیات و روایات بحث را دنبال مینمائیم، برای رسیدن بمقصود و هدف غیبت از دو راه میتوان سخن گفت یکی از طریق آیات و روایات و احادیثی که از رسول اسلام و ائمه طاهرین رسیده و کم و بیش با بیانی رسا مسلمانان را از غیبت امام (ع) آگاهی داده و اسراری را گوشزد نموده اند.<sup>۶۹</sup> و طبعاً خود بهترین سند زنده ایست که هر مسلمانی بایستی با عقیده ای که به پیامبر و امام دارد در این اخبار غیبی که قبل از ولادت آنحضرت در جوامع اسلامی اشتهار داشته بررسی کرده و با ایمانی راسختر مطلب را قبول کند و بدنبال وظیفه خود در حال غیبت برود و در این باره از صدر اسلام تاکنون کتب بسیاری تدوین شده و احادیث بیشماری گردآوری گردیده است و هرکس بدون تعصب بجوامع شیعی و سنی مراجعه کند خود انصاف میدهد که مسئله غیبت قابل تردید و انکار نیست و اثراتی عمیق در سازندگی انسان دارد بلکه در دیگر موجودات هم اثر میگذارد.<sup>۷۰</sup>

### امام از امت یکسان دستگیری میکند

راه دومی که میتواند انسان اندیشمند را به هدف برساند

۶۹- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۱۰ قال امیر المؤمنین (ع) للحسین (ع)، هو القائم بالحق المظهر للدين الباسط للعدل... ای الذی بعث محمداً بالنبوة و اصطفاه علی جمیع البریه ولكن بعد غيبة و حيرة لا تثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین الذین اخذ الله میثاقهم بولايتنا و کتب فی قلوبهم الايمان و ایدهم بروح منه.

۷۰- بحار الانوار ص ۸۱ ج ۵۱ ان رسول الله صلی الله علیه وآله قال، ینخرج المهدي من امتی یبعثه الله عیاناً للناس یتنعم الامة و تعیش الماشية و تخرج الارض نباتها و يعطى المال صحاحاً.

روشی است که طرح آن باز از ائمه طاهرین بما رسیده و ما میتوانیم با بیانی ساده و منطقی رسا از روش عقلائی و نتایج غیبت بحث کنیم.

امام چه در کوتاه مدت یا در زمانی طویل المده بایستی مکتب و جامعه اسلامی را آنگونه حفظ کند که اگر انسانی با میل و رغبت خود خواست حقیقت را دریابد بتواند به هدف انسانی خود برسد و از مکتب الهی استفاده کند و هیچگاه گناه و ستم دسته‌ای در اسلام مجوز محروم کردن دسته‌ای دیگر نمی‌باشد و اگر مردمی بمدرسه رو نیاوردند مربی نباید مکتب را تعطیل کند چون همه مردم استقبال ننموده‌اند بلکه اگر دشمنان علم و فضیلت و انسانیت مدرسه را کوبیدند و کلاسها را بستند معلم باید از راههای دیگر کوشش کند تا راهی برای عاشقان حق تامین نماید و در پشت پرده نقشه‌های ماهرانه طرح کرده و بطور غیر مستقیم مسلمانان را آگاه سازد و حقوق نسل آینده را حفظ کند. پیامبر اسلام با قاطعیت هرچه تمامتر حکومت جهانی حضرت مهدی را اعلام نمود و ائمه هر يك بنوبه خود برای تشیکل چنین حکومت عدل جهانی طرحهایی را ارائه نموده و مقدماتی را فراهم کرده تا جایی که امام صادق (ع) ناله میزد (غیبتك نفت رقادی) ۷۱ خواب از چشم من و راحتی از بستر من و امنیت و آسایش از قلب من بواسطه غیبت تو رخت بر بسته و آنچنان امام بزرگوار ناله و آه میکشید، سینه مبارکش از نفسش پر میشد ستمگران و جاه طلبان که این سخنان الهام بخش را از منابع وحی و نبوت می شنیدند پیوسته میکوشیدند که بساط را واژگون سازند و امام را بهر وسیله‌ای که هست نابود کنند تا مکتب تعطیل شود و یا با کشتن امام (ع) برسول خدا زبان اعتراض گشوده و او را بگزاف گوئی

بدنیا معرفی نمایند، چه او از روز نخست نام مقدس دوازده امام را برای مسلمین شرح داده و از طریق شیعه و سنی در کتب معتبره آمده است.<sup>۷۲</sup>

بنابراین ظهور و قیام امام علیه السلام منجر بشکست اسلام و مسلمین بود و اصل دین مقدس اسلام مورد تهاجم دشمنان قوی و نیرومند منکر خدا و مطیع هوا قرار میگرفت و همه می گفتند خداوند در قرآن کریم خود وعده حکومت جهانی داده (و نرید ان من علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین<sup>۷۳</sup> و آخرین خلیفه رسول اکرم گشته شد و چنین حکومتی تشکیل نگردید، بنابراین مکتب توحید در مقابل مکتب مادیون و هواپرستان شکست میخورد و ستمگران برای موقعیت خود تمام تجهیزات خود را در نابود ساختن آثار مکتبی بکار میبردند ولی خدای متعال همانطور که وعده فرمود (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون<sup>۷۴</sup> امامی معصوم را برگزید که با نقشه ای صحیح بدون کوچکترین نقیصه ای دین خدا را حفظ کند او خود را از انظار دور داشت تا دست جنایت پیشگان باو نرسد و بحیات او خاتمه ندهند و در میان اجتماع و در کنار انسانهای بیدار آشنا بزندگی خود ادامه دهد و در تمام امور و جریانات نظارت کند و طبق معمول برای تربیت و ارشاد و حفظ مسلمانها فعالیت خستگی ناپذیر خود را داشته باشد بدون اینکه دشمن از وضع او آگاه گردد و نقشه او را باطن کند و این خود بزرگترین و عالیترین طرحی است که میتواند در طول زمان حافظ و نگهبان حق و راهشگای مردان آشنای با خدا باشد.

---

۷۲- کتاب بحار الانوار ج ۵۱-۵۲-۵۳ غایة المرام، کنز العمال، محاضرة حول المهدي.

۷۳- القصص ۹.

۷۴- الحجر ۹.



## اثر غیبت در اجتماع

نکته قابل توجه اینجاست که غیبت در اجتماع چه اثری میگذارد. بهترین مطلبی که میتواند گوشه‌ای از این بحر موج اسرارآمیز را نشان دهد روایتی است که مفضل از امام ششم نقل میکند<sup>۷۵</sup>، خلاصه آن این است که حضرت نوح علیه السلام از خدای بزرگ برای گنه‌کاران و طغیانگران عذاب خواست تا جهانی را از لوث وجود آنها پاک گرداند. پروردگار دستوری بسوسيله جبرائیل باو داد که هفت دانه بکارد و چون دانه‌ها بشمر رسیدند و میوه خو در اجتماع دادند باز خشک میشوند هفت دانه دیگر را بکارد و هفت بار اینکار تکرار گردید تا آنچه ممکن بود از نهان این دانه‌ها بیرون بیاید و سبز شود و در جهان جلوه‌گری کند همه و همه سرشت خود را بروز دادند در آخر کار خطاب رسید پیامبر من اکنون موقع آن فرا رسیده است که پاداش داده شود، اگر من پیش از آنکه در مراحل مختلف بندگان را امتحان نموده و خوب را از بد و زشت را از زیبا جدا سازم تا بر خود آنها معلوم گردد که

---

۷۵- البحار ج ۵۱ ص ۲۲۱ ... ان الله تبارك و تعالى يقول لك: ان هؤلاء خلائقي ولست ابیدهم بصاعقة من صواعقي الا بعد توکید الدعوة والزام الحجة فعاوداجتهادك في الدعوة لقومك فاني مثيبك عليه اغرس هذا النوى فان لك في نباتها و بلوغها و ادراكها اذا اثمرت الفرج والخلاص فبشر بذلك من تبعك من المؤمنين فلما نبتت الاشجار... فامر الله تبارك و تعالى ان يغرس من نوى تلك الاشجار و يعاود الصبر والاجتهاد، و يؤكد الحجة... ثم ان الله تبارك و تعالى لم يزل يامر عند كل مرة ان يغرسها تارة بعد اخرى الى ان غرسها سبع مرات فما زالت تلك الطوائف من المؤمنين ترتد منهم طائفة... فوحي الله عز وجل عند ذلك اليه وقال: يا نوح الآن اسفر الصبح عن الليل... بار تداد كل من كانت طينته خبيثه... وكيف يكون الاستخلاف والتمكين و بدل الخوف بالامن مني لهم مع ما كنت اعلم عليه السلام تمتد ايام غيبته ليصرح الحق عن محصنه و بصفوا الايمان من الكدر من ضعف التقين الذين ارتدوا... قال الصادق عليه السلام و كذلك القائم بار تداد كل من كانت طينته خبيثه من الشيعة الذين يخشى عليهم النفاق اذا احسوا بالاستخلاف والتمكين والامن لمنتشر في عهد القائم عليه السلام.

سرنوشت خویش را بدست خود نوشته‌اند اگر حکومت را بدست مؤمنین همان عصر بسپارم در نتیجه آنها وارث زمین شده و امنیت برای آنها تامین گردیده و خوف و ترسی دیگر در آنها راهی ندارد با اینکه این گروه که فعلاً بدین حق گرائیده‌اند گرایش آنها صوری و روی منطبق و عقل دین را نپذیرفته و یقین بحقانیت تو پیدا نکرده‌اند و روزی هم که باید حکومت بدست مؤمنین افتد و عدل و داد در اجتماع رواج یابد ایندسته که کار را بدست گرفته بمبارزه برخواسته و نمیگذارند امنیت گسترده در جهان حکومت کند این مجملات فشرده‌ایکه با کمال اختصار و تلخیص از معصوم استفاده شده و در اینجا یاد گردید حقایقی را بیان مینماید روزی انسان بکمال انسانی خود میرسد که مدارس تربیتی الهی را از نخست تا انتها ببیند و پس از فرا گرفتن همه معارف الهی و اصول اسلامی از نظر علمی و عملی بجائی برسد که خلیفه‌الله در زمین گردد و حکومت الهی تشکیل دهد و امنیت و آسایش در جهان برقرار سازد. طبعاً برای رسیدن بچنین مقام با عظمتی که جهان برای آن آفریده شده و علت ایجاد خلق بوده و غرض از بعثت انبیاء و تعیین اولیاء تنها همین نتیجه ارزنده جهان خلقت است ولی هزاران هزار نکته باید تا چنین هدفی مقدس را دریافت آنچنان مشکل است که خدای متعال در قرآن کریم با کمال صراحت بیان میکند (حتی اذا استیثس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جائهم نصرنا) ۷۶ گرفتاریها و شدائد آنقدر زیاد و خسته‌کننده است که پیامبران حالت یاس پیدا نموده و چنین می‌پندارند که خلف وعده میشود آنوقت است که خداوند بدست توانای خود نصرت عنایت مینماید و دشمنان را نابود میکند (فصبروا علی ما کذبوا و اوذوا حتی آتیهم نصرنا) ۷۷.

---

۷۶- یوسف آیه ۱۱۰ .

۷۷- الانعالم آیه ۳۴ .

## غیبت نسبت بمؤمن و کافر

اکنون در مورد غیبت نسبت به دو گروه میتوان بررسی کرد. قسمت مؤمنین و دسته‌ای که ایمان نیاورده‌اند مردمی که ایمان آورده‌اند باید دوره‌های مختلفی ببینند و زمانهائی را بگذرانند و موقعیتهائی را بدست آورند تا ایمان آنها آزمایش شود که مستقر است یا غیر ثابت و اگر بدون امتحان حکومت را بدست آنها بدهند و دیگران را محروم نمایند بدون تردید گزافی است که از مقام مقدس کبریائی بدور و ظلمی فاحش است<sup>۷۸</sup> و اما آندسته دیگر که هنوز ایمان نیاورده‌اند چه بسا با دیدن صحنه‌های شورانگیز تغییر حالت داده و ایمانی راسخ بدست آورند و اگر در این موقع آنها را عقاب کنند و بدون مهلت بعذاب گرفتار شوند باز ستمی انجام یافته چه استعداد پذیرش حق را داشته و بدون جهت از فیض الهی محروم مانده‌اند و از همه مهمتر بلکه میتوان گفت روی منطقی صحیح و عقلائی بایستی بشر با طی مراحل و زود خوردنها و کشمکشها مراحل ببیند و بینشی گسترده‌تر پیدا کند و این اختلاط حق و باطل و پذیرش و عدم پذیرش جلوه‌گاه حق و نمایشگر اسرار خلقت است که راه را بسوی حق می‌گشاید و مراکز ارتباط با حق را تثبیت و تحکیم می‌نماید (اولوا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیراً ولینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز<sup>۷۹</sup> انسان تا روزیکه هست باید بسیر تکاملی مادی و معنوی خود ادامه دهد و اگر روزی او را از این مسیر بازداشتند و گرفتار عذاب خانمان برانداز گردید و انسانیت را نابود ساختند ستمی غیر قابل جبران

---

۷۸- آل عمران ۱۴ ولیمحص الله الذین آمنوا ویمحق الکافرین ۱۵۴ و  
ولیبتلی الیه ما فی صدورکم ولیمحص ما فی قلوبکم.

۷۹- الحج ۳۹ .

بعالم انسانی نموده و نگذاشته بکمال خود برسد و آنچه سبب کمال او میشود بایستی در اختیار او قرار گیرد و هیچ کس نمی تواند مانع او بشود. لذاست که در قرآن کریم بزرگترین ستمی که مورد نظر قرار گرفته ظلمی است که در خانه خدا را بروی بندگان خدا ببندند و نگذارند با خدای خویش در روی زمین برآز و نیاز پردازند.

### ستمکاران در عصر مهدی عج

سیوطی مفسر معروف در ذیل آیه *ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعی فی خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفین لهم فی الدنيا خزی ولهم فی الآخرة عذاب عظیم (البقره ۱۱۴)* میگوید: ستمکاران در دنیا در ذلت و پستی قرار میگیرند روزیکه مهدی عج قیام کند و قسطنطنیه را بگیرد و آنها را بسزای خود برساند و نابود کند همان طرر که ابن جریر از سدی نقل مینماید. صاحب مجمع البیان از امیر المؤمنین علی (ع) روایت نموده که ستم در هر گوشه زمین که انجام پذیرد و هر ستمگری که دست بازار دیگران زند در دنیا دچار پستی و مذلت میگردد و روزیکه حضرت مهدی قیام کند و قسطنطنیه را فتح نماید و آنها را نابود سازد و عمومیت سرزمینها را بعنوان مسجد بگفته پیامبر استشهاد نمود که

---

۸۰- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۷ عن ابی عبد الله (ع) قال: قلت له: ما بال امیر المؤمنین علیه السلام لم یقاتل مخالفینه فی الاول؟ قال لایة فی کتاب الله عزوجل «لوتزیلوا العذبن الذین کفروا منهم عذاباً الیماً (الفتح ۲۵) قال: قلت: و ما یعنی بتزایلمهم؟ قال: و دائع مومنون فی اصلاب قوم کافرین، فکذالك القائم علیه السلام لن یظهر ابداً حتی یرج و دایع الله عزوجل فاذا خرجت ظهر علی من ظهر من اعداء الله عزوجل جلاله فقتلهم.

۸۱- الدر المنثور ج ۱ ص ۱۰۸ .

۸۲- مجمع البیان ص ۱۹۰ .

فرموده: جعلت لی الارض مسجداً و ترابها طهوراً خدای متعال زمین را محل پرستش برای من قرار داد و خاک را یکی از مطهرات شمرد. صاحب تفسیر صافی<sup>۸۳</sup> نیز میگوید: حکم اختصاصی بمسجد خاص ندارد بلکه مراد همه سرزمینهاست و پیامبر اکرم فرموده زمین را برای من عبادتگاه قرار داده و خاک هم از مطهرات شمرده شده است سپس اضافه میکند که بعقیده من هر مسجدی این حکم را داراست که اگر زورمندی مانع از عبادت در آنجا شود دچار ذلت در دنیا و عذاب در آخرت میگردد و در ایجاد موانع هم اختصاصی نبوده اگرچه در مورد خاصی نازل شده است در هر صورت امنیت از ایندسته رخت برمی بندد و همه دچار وحشت و اضطراب میگرددند بواسطه عدالت و نفوذ حکمی که در سایه شمشیر و قدرت امام عادل بدست آورده است.

نسفی<sup>۸۴</sup> میگوید: با اینکه منع عبادت از بیت المقدس یا مسجد الحرام بوده ولی حکم عمومیت دارد اگرچه سبب نزول آیه خاص باشد و مراد از اینکه در خرابی مسجد بکوشند این است که نگذارند مردم بیاد خدا بیافتند بنابراین باز در این مورد هم باید گفت عمومیت داشته و هرچه انسانرا از خدا دور کند و ستمگری آنها در اختیار بگذارد در هر سرزمینی که باشد حکم ذلت و بدبختی و سیه روزی برای آنها در دنیا و آخرت صادر میگردد.

ابن کثیر<sup>۸۵</sup> میگوید: در نزد سدی و عکرمه خزی و بیچارگی فرومایگان ستم پیشه در زمان خروج و ظهور حضرت مهدی است ولی باید گفت سیه روزی و بدبختی برای تمام مردمی است که بیدادگری را پیشه خود میسازند و سرزمین خدا را محل تاخت و تاز خود قرار میدهند او میگوید رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا

---

۸۳- صافی ص ۱۳۴ .

۸۴- نسفی ص ۷۰ .

۸۵- تفسیر: ص ۱۵۷ .

مینمود (اللهم احسن عاقبتنا في الامور كلها واجرنا من خزي الدنيا وعذاب الآخرة) پروردگارا عاقبت ما را در همه کارها نیکوگردان و ما را در پناه خود قرار بده از پستی که در دنیا دچار شویم و عذابی که در آخرت گرفتار آن گردیم.

از مجموع گفتار بزرگان و ارباب تفسیر چنین برمیآید که انسانرا در دنیا ذلیل و در آخرت دچار عقاب پروردگار مینماید طبعاً ذلتی که در عصر امام زمان می بیند روشنتر و سریعتر خواهد بود و همینطور هر که هرچه انسانرا از خدا بازدارد دچار زیان غیرقابل جبرانی میشود ولی زیان و ضرری که انسان در خرابی و از بین بردن عبادتگاه مخصوصاً مسجدالحرام می بیند بمراتب افزونتر و دردناکتر میباشد.

## مکتب غیبت

غیبت امام در حقیقت مکتبی است که انسانهای آشنای با خدا را بسوی کمال سوق میدهد و با برنامه وسیع خود حقائق را بصورت مثبت و منفی بیان میکند تا مردان الهی بکمال انسانی برسند و دیگران هم در اثر نپذیرفتن مکتب از اوج عالم انسانی بحضیض جهان حیوانی بلکه پست تر از هر درنده ای گردند تا هر که هرچه پاداش می بیند نتیجه کار زشت و زیبای خود او باشد و بس و زبان گله و اعتراضی بهیچ صورتی نداشته باشد آنروز است که حکومت بحق بر مبنای عدل الهی تشکیل میشود<sup>۸۶</sup> و جهانی پر از عدل و داد میگردد و مردم مؤمن تکامل یافته از هر جهت فرمانروای مطلق زمین و وارث خاک نشینان جهان هستی میگردد.

---

۸۶- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض یقسم المال صحاحاً فقال ته رجل و ما صحاحاً، قال السویه بین الناس.

## ارزنده‌ترین انسانها در عصر امام زمان عج

باز باید توجه نمود که همین مطلب را ائمه طاهرين عليهم السلام تذکر داده که مردم آن عصر و زمان بهترين و ارزشمندترین انسانها میباشند چون از همه جهت تکامل یافته و با بصیرتی کامل دین حق را پذیرفته و بحق پیوسته‌اند و به همان نسبت که قدرت شمشیر موجب پیشرفت دین میشود علم و بینائی نیز سبب تثبیت حکومت و برقراری عدل میگردد و همه عوامل بصورت مثبت و منفی زمینه را آماده میسازند تا حکومت الهی به تمام معنی الکلمه تشکیل گردد.

امام سجاد میفرماید: غیبت بسدوازدهمین خلیفه رسول خدا میرسد و سپس به اباخالد میگوید: کسانی که در دوران غیبت امام زمان زندگی میکنند و او را امام میشناسند و انتظار ظهور او را دارند این گروه ارزنده‌ترین انسانهای اعصار میباشند زیرا خداوند متعال بآنها عقل و بینش و فهمی عنایت فرموده که غیبت امام مانند حضور او میباشد و آنها تردیدی در خود راه نمیدهند آنها در عصریکه زندگی میکنند چون مجاهدین و فداکاران صدر اسلام میباشند که در حضور رسول اکرم بجهاد پرداخته‌اند اینها بندگان خالص خدایند و برای رضای حق تبلیغ در نهان و آشکار مینمایند.<sup>۸۷</sup>

## امام زمان و آخرین طرح اجرائی

در اینجا سئوالی پیش می‌آید که چرا این برنامه در زمان نبی اکرم و سایر ائمه عليهم السلام طرح و اجرا نشد نخست بساید جواب را موکول بآراة الهیه نمود که مشیت روی مصالحی که خود آشناست چنین برنامه‌ای را برای آخرین مکتب انسانی الهی

---

۸۷- بحارالانوار جزو ۵۲ ص ۱۳۲.

تهیه و ابلاغ نموده است ولی آنچه بنظر میرسد اینست که برای دریافت میوه‌ای شاداب در عالم طبیعت نیازی بر ریشه و اصل و دانه‌ای دارد که در فصول اربعه از مزایای طبیعت استفاده نموده و در دوازده ماه برنگهای گوناگون از موارد مختلف زمین و هوا بهره‌ای گیرد تا پس از گذشت دوره‌های رنگارنگ با رنگی ثابت و طعمی خوش و لونی لطیف بدست انسانی برسد دورانهای انسانها هم به همین منوال میگذرد و هر دوره‌ای مغایر دوره دیگر میباشد و در هر فصلی انسان باید بمقتضای آن فصل لباس عوض کند و خود را از سرما و گرما، باران و برف و بوران حفظ نماید البته بشر برای هر فصلی بنا بر پیشرفتی که نموده لباسی به رنگ و جنس خاص تهیه میکند. همینطور رویدادهای جهان بمنزله فصول و ماههایی میماند که با هم اختلاف بسیاری داشته و زمانها و مکانها و افراد اقتضائات خاصی دارند که میتوان گفت مجموع حوادث جهان روی دوازده طرز دور میزند و اگر بتاریخ گذشتگان بررسی کنیم و زمانهای آنها را کنار هم قرار دهیم خواهیم یافت ریشه روش و برنامه آنها از این گونه‌ها بدور نیست اگرچه رنگ و قیافه تغییر میکند و لباس و لغت عوض میشود.

بنابراین پیامبر اکرم اسلام را همانطور که از خدای متعال گرفته بود با تمام مزایا و خصوصیات بطور کامل و پسندیده و تمام بجامعه بشریت تحویل داد و برای اینکه دین مقدس اسلام آخرین برنامه تربیتی الهی است بایستی برای تمام ادوار مختلف پیش‌بینی‌های لازم انجام شود که مسلمانان دیگر نیازی برای ادامه حیات انسانی خود نداشته و بتوانند پیوسته مطابق زمان بسیر تکاملی خود ادامه دهند و چون زمان همیشه یکنواخت نمیگذرد و دشمن با يك نقشه معین کار نمیکند بلکه در هر عصر و مکانی برای پیشرفت دین باید برنامه خاصی انجام داد که گاهی



بطور کلی با زمان گذشته و آینده مغایرت دارد لذا بامر پرورگار متعال معصومین را معین نمود که دین خدا را به نوبه خود با بهترین طرحی اجراء نموده و حقائق را آنطور که زمان اقتضاء دارد بیان نمایند و اگر بدورانهای گذشته تاریخ با دیده دقت نگاه کنیم، خواهیم یافت که نوع زمانها چون زمان یکی از ائمه طاهرین گذشته، و آینده هم بهمین منوال میگذرد و پیروان مکتب تشیع با بررسی همه جانبه امام و زمانی که پیشوای معصوم زندگی مینموده درک میکند که بهترین و عالیترین نقشه را برای حفظ و حراست بدین امام وقت انجام داده است بطوریکه امروز پس از گذشت هزار سال و اندی هنوز خودی و بیگانه نتوانسته اند راه بهتری برای پیشرفت دین در عصری که امام عهده دار مقام امامت بوده نشان دهند و بر امام خورده ای گیرند بنا بر این وقتی نوبت به امام زمان میرسد دین خدا از نظر طرز اجراء در زمانها جلوه داده شده و باید از غیبت خود استفاده نموده و آخرین برنامه ای که همه جوانب جهان هستی را که موجب رعایت تمام خصوصیات انسانها از نظر صفات کمال و جمال الهی باشد نموده و مردم را در آزادای مطلق در مقابل تمام دستورات الهی و طرز اجراء و بیان ائمه معصومین و آگاهی دادن آنها بروش ظالمین و ستمکاران قرار داده و خود در پنهان بر آنها نظارت کند و احیاناً در مواردیکه اصل دین و اساس اسلام در معرض خطر قرار گیرد بطور مستقیم راهنمائیهای لازم و مددهای خود را مینماید.<sup>۸۸</sup>

---

۸۸- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۶ قال رسول الله صلى الله عليه وآله - ناداني ربي جل جلاله، يا محمد انت عبدى و انار بك فلى فاخضع و اياى فاعبد و على فتواكل و بى فشق فانى قد رضيت بك عبداً و حبیباً و رسولا و نبياً و باخيك على خليفة و بابا فهو حجتى على عبادى و امام لخلقى به يعرف اوليائى من اعدائى و يميز حزب الشيطان من حزبى و به يقام دينى و تحفظ حدودى و تنفذ احكامى و بك و به و بالائمة من ولدك ارحم عبادى و امانى و بالقائم منكم اعر ارضى بتسبيحى و

## رسول اسلام آثار امام زمان را بازگو مینماید

پیامبر عالیقدر اسلام با صراحت هرچه تمامتر آنچه در باره ثمره وجوده ولی عصر عجل الله فرجه الهام گرفته بود برای جهان انسانیت شرح میدهد تا انسانها با پیروی از مکتب پرارزش انسان ساز آنحضرت بهره برداری نموده و دنیا و آخرت خود را تامین کنند و بدانند روزی میتوانند انسان باشند و انسان زندگی کنند و همه عوالم وجود را تسخیر نمایند که از مکتب توحید پیروی و درس زندگی را از نمایندگان الهی بگیرند: خداوند به برکت وجود قائم آل محمد زمین را آباد و مردم در سایه شکرگزاری و قدردانی از خدای بزرگ و تسلیم اوامر و نواهی او و بینشی که هستی بخش جهان عالمی را برای آنها آفریده و دنیائی را مرکز انسانها قرار داده که از همه موجودات استفاده کنند و به نیروی هر موز حضرتش دشمنان مکتب توحید را نابود و عاشقان دلباخته خدا را وارث زمین گرداند. امام زمان است که سخن خدا را در سرتاسر جهان رونق میبخشد و گفتار کفار را بی ارزش میسازد. روزیکه برنامه حضرتش اجراء گردد و ولی عصر در جامعه حکومت کند آنروز است که من سرزمینها را بصورت کامل احیاء نموده و انسانها را با دانش الهی و بینش واقعی بحقیقت آشنا میسازم و همه ذخائر و معادن مادی و معنوی در اختیار آنها قرار میدهم و او را بر پنهانیها و اسرار آگاهی داده و با نیروهای غیبی و ملائکه مجهز ساخته تا بتواند اوامر مرا که برای نجات بشریت است بصورتی غیر قابل شکست اجراء نماید و دین خدا

---

تقدیسی و تهلیلی و تکبیری و تمجیدی و به اظهر الارض من اعدائی و اورثها اولیائی و به اجعل کلمة الذین کفروا بی السفلی و کلمتی العلیا به احیی بلادی و عبادی بعلمی و له اظهر الكنوز و الذخایر بمشیتی و ایاه اظهر علی الاسرار و الضمایر بارادتی و امده بملائکتی لتویده علی انفاذ امری و اعلان دینی ذلک ولیی حقاً و مهدی عبادی صدقاً.

را در صحنه گیتی اعلام کند او ست حاکم و ولی بر حقی که من خواسته‌ام  
و او ست مهدی بندگان من که هیچگاه خلاقی ندارد و پراستی مردم را  
بحق هدایت مینماید در تفسیر صافی ذیل آیه اعلموا ان الله یحیی  
الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون سوره حدید آیه  
۶ از حضرت باقر روایت میکند که خداوند بواسطه قائم آل محمد  
علیه السلام سرزمینهای باثر را دائر و موات را احیاء میکند چه  
بواسطه کفر به ساکنین آن اراضی بصورت مرده درآمد پس از  
این زنده میگردد بعنایت امام زمان چون مردم ایمان میآورند.

### غیبت انسان‌ساز

در مکتب تشیع ارزنده‌ترین مدرسه و برنامه‌ایکه تربیت  
انسانها را بعهدده میگیرد موضوع غیبت است چه انسان مسلمان  
در هیچ حالی از احوال خود را غیر مسئول نمیداند و عمر خویش  
را سرمایه‌ای گرانبها برای کسب فضیلت و رسیدن به مقام شامخ  
انسانی و قرب پروردگار میشناسد لذا برای تکمیل مراتب ایمانی  
و تقویت جوانب انسانی خویش پیوسته با برقراری ارتباط با  
هستی‌بخش جهان تمام فضائل انسانی را خواسته و با تکرار  
خواسته‌های خود انسانی مرتبط با خدا و دارای ملکات فاضله  
انسانی میشود.

اینک به برنامه انسانیکه در زمان غیبت زندگی میکند توجه  
کنید.<sup>۸۹</sup>

۱- پیوسته انتظار دارد روز نجات و فرج، فرا رسد و زندگی  
سراسر مهر و محبت را در اجتماع بشری به بیند که همه در کنار  
هم با یکدینیا علاقه و عشق از همه نعم الهی برخوردار هستند چه  
پیامبر اسلام فرموده ارزنده‌ترین کارهای امت من انتظار فرج و

۸۹- ترجمه و تلخیص دعائیست که در ج ۵۳ ص ۱۸۷ آمده است.

گشایش کار است.

افضل اعمال امتی انتظار فرج الله عزوجل<sup>۹۰</sup> مؤمن پیوسته خود را در حمایت پروردگار می بیند و امیدوار دستگیری اوست و این امید است که انسان را در همه حال سرزنده و قوی میسازد و روح یأس و ناامیدی که موجب تلخی و ناکامی است در انسان میمیراند و نمیگذارد هیچ مشکل و گرفتاری او را از کار بازدارد و دست از فعالیت مادی و معنوی بکشد در نتیجه کوشش و فعالیت خستگی-ناپذیر بهمه گونه موقعیتهای گوناگون توفیق پیدا میکند لذاست که امام سجاد میفرماید: انتظارالفرج من اعظم الفرج: انتظارالفرج من الفرج<sup>۹۱</sup> اختر هشتم برج امامت این حقیقت را روشن میسازد: ۹۲ ما احسن الصبر و انتظارالفرج اما سمعت قول الله تعالی:

فارتقبوا انی معکم رقیب وقوله عزوجل «وانتظرو انی معکم من المنتظرین» فعلیکم بالصبر فانه انما یحی الفرج علی الیاس فقد کان الذین من قبلکم اصبر منکم. انسانی که خدا مراقب و نگهبان اوست و خود وعده میدهد که من منتظر فرصتی هستم که پاداش هر نیک و بدی را بجای خود بدهم و دیگر برای عذر و بهانه محلی باقی نماند و چنین موقعیتی وقتی پیدا میشود که بندگان خدا در راه اجراء او امر او صبور باشند و بردبار، دشمنان حق تا میتوانند بمخالفت خود ادامه دهند تا روزیکه بسرنوشت کار خود میرسند بدانند هر بلا و سیه روزی که برای آنها پیش آمده از خود آنها سرچشمه گرفته است همانطور که در گذشته رفتار شده و صابران موقعیت بدست آورده اند.

۹۰- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ .

۹۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۹ .

## در سایه خداشناسی پیامبر و امام را شناخته و بحق میرسند

۲- انسان در پهنه هستی موجودی ناچیز است که بایستی برای حفظ خود به پناه هستی بخش رفته و از او برای ادامه حیات خویش استمداد کند ولی چگونه میتواند با همه ضعف و ناتوانی خود و قدرت و عظمت خدای بزرگ باو دست یابد و راه نجات پیدا کند تنهامؤس است که بایکدنیا عشق و تضرع و زاری بهترین راه را می پیماید و به هدف عالی خویش میرسد و طبق دستور چنین درخواست مینماید، پروردگارا مرا با خودت آشنا فرما و خودت را بمن بنما تا ترا شناسائی کنم و گرنه من در جهل و نادانی بسر میبرم و نمیتوانم رسول و پیامبر ترا بشناسم و عدم شناخت پیامبر خدا سبب میشود که من از شناخت حجت و امامی که مرا بحق راهنمایی میکند محروم بمانم خداوند مرا با امام زمان خود مرتبط فرما و گرنه من راه را گم نموده و دچار ضلالت و گمراهی شده و سرانجام به هلاکت دچار میشوم<sup>۹۳</sup>. زیرا از ولایت اسلامی بدور مانده ام. راستی سرمنشاء تمام اختلافات و بدبختیها و نافرمانیها عدم شناخت هستی بخش است که با بی نیازی کامل رفع نیازمندی انسانها را در اجراء اوامر و نواهی تعیین شده نموده است ولی بشر نادان بدون توجه تمام آنچه ناشی از ضعف و نادانی اوست بنظام آفرینش نسبت داده و برای خود خدائی درخور اندیشه خویش میسازد. آنگاه قضاوتی نابجا درباره پیامبر و امام نموده و حقائق را انکار و در نتیجه بدنبال مکتبهای گوناگون بشری که از مغزهای پوسیده و افکار آلوده سرچشمه گرفته دل می بندد و گاهی

۹۳- بلازالانوار ج ۵۲ ص ۱۴۶ ز راه از امام صادق نقل میکند که آن حضرت فرمود این دعاء را در زمان غیبت باید ملازم نمود اللهم عرفنی نفسك فانك ان لم تعرفنی نفسك لم اعرف نبيك اللهم عرفنی رسولك فانك ان لم تعرفنی رسولك لم اعرف حجتك اللهم عرفنی حجتك فانك ان لم تعرفنی حجتك ضللت عن دینی .

بنام دین اساس اسلام را برپا میدهد و مکتب توحید را نادیده می‌انگارد.

### ایمان مستقر نجات بخش است

۳- انسان نمیتواند امید نجات داشته باشد مگر اینکه ایمان او با حیات او ادامه داشته و تا مرگ او را دنبال کند لذا مؤمن میگوید بارخدا یا مرا مرگی مانند مرگ زمان جاهلیت که جهل و نادانی بر آنها حکومت مینمود و ترا فراموش کرده بودند نصیب مفرما و پس از آنکه توفیق هدایت و بندگی ترا بدست آوردم دچار حیرت و ضلالت مفرما که از راه بازمانم و یا منحرف گردم، راستی چه مشکله ایست زندگی که در هر لحظه هر تغییر و تغییری در انسان اثر میکند و آدمی را چون پر کاهی در مقابل اندک حادثه‌ای میلرزاند و دچار اضطراب میکند ولی مرد خدا هرگز نمیلرزد (تزلزل الجبال ولم یزل) کوههای گران از جای خود حرکت میکنند و مؤمن بر جای خود ثابت و مستقر است.

### دین بر اساس منطق و عقل خلل ناپذیر است

۴- از برای تحکیم مبانی دینی و عقیدتی خود از خدای خویش میخواهد که برنامه مذهبی مرا بر اساس و پایه‌ای که تو قرار داده‌ای و هرگز خلل و اشتباهی در روش آن پیدا نمیشود قرار بده تا دنبال رو و پیرو ائمه و پیشوایانی که پس از رسول خدا برای بندگان خود منصوب نموده‌ای و این افتخار شناسائی و تبعیت دوازده امام را بمن عنایت کرده‌ای در تمام کردار و گفتار خود بوده باشم و در این راه پایدار و ثابت قدم بوده و دین ترا عملاً و قولاً نگهداری کنم و تو مرا در تمام حالات در خدمت خود قرار بده که تنها اطاعت و فرمان تو را ببرم و مطیع اوامر تو باشم.

لذا امام سجاد عليه السلام ارزش مردمی که در آخر زمان انتظار فرج را میبرند از همه زمانها بیشتر قلمداد نموده و آنها را پراجتر معرفی میکند. زیرا آنها بفضل پروردگار عقول و بینش و فهم و معرفتی بدست آورده‌اند که پنهان بودن امام چون حضور او در میان مجتمع میباشد و رفتار و گفتار آنان در پنهان و آشکار بیانگر دین و نمایشگر مکتب تشیع میباشد. ۹۴ و پیامبر اکرم آنها را بهترین خلق خدا برای خود معرفی نموده و فرموده بواسطه آنها کرامتی ارزنده بر من عنایت فرموده است. ۹۵.

### تسلیم بخدا در مکتب توحید ۹۶

۵- مهمترین اصلی که در مکتب توحید رعایت شده تسلیمی است که انسان پس از شناخت صحیح کامل پروردگار بدست می‌آورد و خود را در مقابل اوامر و نواهی خداوندی هستی بخش هیچ و از هیچ ترمی بیند و تسلیم می‌گردد و این امر عالیترین رتبه توحیدی و خداشناسی است و انسان کامل است که بمقام تسلیم و اخلاص میرسد البته این مقام هم مراتب شدة و ضعف دارد هر کس

۹۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ قال: تمتد الغيبة بولي الله الثاني عشر من اوصياء رسول الله صلى الله عليه وآله والائمة بعده يا اباخالد ان اهل زمان غيبته، القائلون بامامته، المنتظرون لظهوره افضل اهل كل زمان، لان الله تعالى ذكره اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله بالسيف اولئك المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً والدعاة الى دين الله سرّاً و جهرّاً.

۹۵- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۰ قال رسول الله صلى الله عليه وآله طوبى لمن ادرك قائم اهل بيتي و هو مقتدبه قبل قيامه، يتولى وليه و يتبرء من عدوه و يتولى الائمة الهادية من قبله، اولئك لرفقائي و ذوى مودتي و اكرم دمتى على قال رفاعه و اكرم خلق الله على .

۹۶- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۲ قال رسول الله صلى الله عليه وآله. طوبى لمن ادرك قائم اهل بيتي و هو ياتم به في غيبته قبل قيامه و يتولى اوليائه و يعادى اعداءه ذاك من رفقائي و ذوى مودتي و اكرم امتى على يوم القيامة.

بقدر توانائی خود بشناخت خدا را در هر صورت برای رسیدن تا مقام والا بنده از خدای خود در زمان غیبت امام خویش میخواهد که پروردگارا قلب مرا که بدست تو او در اختیار تست، نسبت به ولی امر معطوف بدار تا پذیرای آنچه او میخواهد باشد و تنها به او دل به بندد و از آزمایشهایی که برای خلق خود در این زمان قرار داده‌ای مرا بسلامت بساحل نجات برسان. مبادا در این میان خود را ببازم تو هستی که میتوانی با عنایت خویش مرا در این راه ثابت قدم قرار دهی و نسبت به اطاعت ولی امری که معین نموده‌ای فرمانبردار بوده باشم چه او باذن تو از انتظار دور شده و انتظار آن میبرد که فرمان دهی و ظهور کند و تو میدانی در چه زمانی باید قیام و اقدام کند و یا فرمان ظهور داده تا از پرده پنهانی بیرون آید و ابرهای تیره و تاری که او را از دیدگان دور ساخته برکنار روند خداوندا تو میدانی در چنین شرائطی چه مشکلاتی در پیش است با چه مصائبی روبرو هستیم خودت صبر و بردباری عنایت فرما آنچنان صبری که هیچگاه از روی تعجیل چیزی که تو آنرا بتاخیر انداخته‌ای توقع نداشته و نه هم آرزو کنم آنچه تو تعجیل نموده‌ای بتاخیر افتد و هرگز برای کشف چیزیکه تو آنها را پنهان داشته‌ای تلاشی ننموده و بحثی در اسرار ناگفتنی ننمایم و با نظامی که برای جهانی مقرر نموده‌ای جنگ و ستیزی نداشته و برخود اجازه ندهم که چون و چرایی در این باره داشته و از اینکه امام زمان با همه ستمها و جرائمی که محیط را فرا گرفته ظهور نمیکند گله‌ای ننموده و خورده‌ای نگیرم و همه امور را به تو تفویض نمایم چه تسلیم خداوندی هستم که از من بمن مهربانتر و تمام آفرینش را با نظامی که دارد بدست توانای خود بگردش درمیآورد و آنچه صلاح است انجام میدهد چون خود نیازی ندارد و هرچه انجام میگیرد برای رفع نیازمندی دیگران است.



## غیبت محیط را آماده میسازد

۶- طول غیبت امام زمان (ع) برای آماده ساختن محیط متناسب میباشد که با اجراء او امر الهی انسان میتواند از همه مزایای حیات بهره برداری کند لذا وقتی بنده مؤمن درخواست ظهور امام خود را مینماید و دعا میکند که فرج او نزدیک گردد چنین خدا را میخواند. پروردگارا آنچنان توفیقی عنایت فرما و بمن دیده ای بده که بتوانم ولی امر تو را در مسند قدرت ببینم و جهانی جلوه گاه او گردد و او در اجتماع زندگی نموده و او امر تو را اجراء مینماید و حکومت الهی را در جهان مستقر میسازد آری همه میدانند منم آشنا هستیم که قدرت و سلطه از آن تست و مشیت و پرهان و منطق گواه عظمت مقام ربوبیت تو میباشد اراده و نیرو و حول و قوه در همه جهان از پرتو خداوندی تو کسب فیض میکنند. پروردگارا بنا بر این برما و همه مؤمنین منت بگذار و طلعت جهان افروز حضرت مهدی را آشکار فرما تا ما بر چهره زیبای او بنگریم از گفتگوی با او لذت ببریم از روشنگریهای حضرتش دلها را منور سازیم و از گمراهیها و نادانیهای که گریبان جامعه بشریت را گرفته رهایی پیدا کنیم خدایا صورت دلارای او را آشکار فرما و نیروهای درونی و غیبی او را ثابت و مستقر فرما و ما را از گروهی قرار بده که از دیده ولی امر چشمهای ما نور گیرد و به خدمت او قیام نمائیم و روزیکه مرگ بسراغ ما میآید جزو ملت ولی امرت بوده و در قیامت در زمرة اصحاب او محشور گردیم، درست دقت کنیم ما باید برای حکومت

حضرت مهدی خود را نخست آماده ساخته که احکام الهی را بدون چون و چرا پذیرفته و با این شرط درخواست ظهور او را بنمائیم.<sup>۹۷</sup>

## نگهبان امام خالق اوست

۷- حفظ و حراست امام غائب در طول زمان بسا خداست همانطور که پاسداری رسول خدا و خلیفه رسول خدا با وجود او انجام می‌پذیرد لذا بما دستور میدهند که از پروردگار بخواهید. خداوند او را در پناه خود از شر بدیهائی که مخلوقات تو در هر شکل و صورتی که هستند و تو به آنها وجود داده‌ای حفظ فرما و از همه جوانب و جهات شش‌گانه زیر پوشش قدرت خود نگهداری نما آنگونه که چون تو خواستی کسی را حفظ نمائی جهانی نمیتواند باو آزاری برسانند. خدایا خودت رسول اسلام و وصی او را در زیر کوشش و فعالیت او نگه‌دار باش، بنابراین غیبت یکی از مؤثرترین مسائلی است که مفاهیم عالی اسلام را در پناه پاسداری شخصیت نبی اکرم و جانشین عالیقدرش حفظ نموده و با بیانی رسا و منطقی گویا جهانی را بحقائق اسلام با وجود حضرت مهدی آشنا میسازد و فهم و بینش مردم را در سطحی بالا میبرد که خود حکومت حق را پذیرا باشند لذا مؤمن از خدا میخواهد که عمر او را طولانی گرداند و فرصت او را هرچه بیشتر نماید و او را بر آنچه سزاوارتر است و تو رعایت او را خواسته‌ای کمک و یاری فرما این دعا که راستی از دلی سوخته تراوش میکند حاکی از اینست که پاسداری امام با نیروی غیبی الهی است همانطور که

---

۹۷- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۵ قال ابو عبدالله علیه السلام ان لصاحب الامر غیبة المتمسك فیها بدینه كالخارط لشوك القتاد بیده ثم اوماً ابو عبدالله علیه السلام بیده هكذا قال، فایاکم تمسك شوك القتاد بیده. ثم اطرق ملياً ثم قال. ان لصاحب هذا الامر غیبة فلیتق الله عبد عند غیبتہ ولیتمسك بدینه.

همه عوالم وجود را خدا بمصلحتی که می‌شناسد حیات می‌بخشد وقتی مشیت الهی تعلق بامری گرفت کدام نیروئی است که بتواند کوچکترین عرض اندامی کند و کدام طبیعتی است که با خواست خدا مقابله نماید، او خود سرشت موجودات را ساخته و خود میداند با چه صورتی در عالم طبع خلیفه خود را در مدت نامعین در مقابل حوادث و جهان روز حفظ کند.

بسم الله الرحمن الرحيم ان یمسسك الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردك بخير فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور الرحيم ۸۸.

### آزمایش ایمان در عصر غیبت

۸- غیبت هرچه بطول انجامد طبعاً شك و تردید در افراد رسوخ پیدا کرده و موجب ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی میگردد از اینرو باید پیوسته مردمی که با غیب عالم ارتباط دارند و بخدا ایمان آورده‌اند از خدا بخواهند که طول زمان غیبت سبب نشود که مؤمن دچار شك گردیده و چون خبری از امام خود دریافت نمیدارد دست از یقین خود بردارد و او را فراموش کند و دیگر انتظار فرج او را نبرد و ایمان خود را از دست بدهد و با کمال اخلاص بگوید. پروردگارا یقین مرا در فرا رسیدن فرج او و ظهور نور جهان تابش زیاد فرما و مرا توفیق عطا فرما که در باره حضرتش دعا نمایم و برای او درود فرستم ۸۹ تا ما از رحمت

---

۹۸- یونس ۱۰۷ .

۹۹- بخار الانوار ج ۵۲ ص ۱۰۱ عن ابی جعفر علیه السلام انه قال، لتمعنن یا معشر الشیعه شیعة آل محمد کمخیض الکحل فی العین لان صاحب الکحل یعلم متى یقع فی العین ولا یعلم متى ینهب فیصبح احدکم و هویری انه علی شریعة من امرنا فیمسی و قد خرج منها ویمسی و هو علی شریعة من امرنا فیصبح و قد خرج منها.

حق مایوس نشده و غیبت او سبب ناامیدی ما از قیام و نهضت او نگردد و همانطور که قیام رسول اکرم را در آن سرزمین کفر و نفاق که ایمان و توحید در نهایت ضعف قرار داشت بوقوع پیوست و آنچه را که گمان نمیرفت با چشم دیدیم و جهانی را زیر قدرت اسلام یافتیم باور کنیم روزی هم حضرت مهدی ظهور میکند و با اجراء دستورات الهی و قوانین آسمانی بساط عدل و داد را در جهان میگسترده پروردگارا اینگونه دلهای ما را از لرزشهای خانمانسوز دور بدار و نیروی خلل ناپذیر عنایت فرما تا بتوانیم بمدد پروردگار و حمایت او پرچمدار هدایت جهان گردیم و بهترین نشانگر راه بزرگ الهی و بیانگر روش مستقیم عدل جهانی باشیم خدایا تو ما را در اطاعت او نیرومند گردان و در پیروی از او ثابت قدم بدار و بما توفیق بده که در دعوت او بوده و جزو یاران و مددکاران او باشیم و بآنچه او طبق مصلحت بما دستور میدهد تن دهیم و حیات خود را بدینگونه سپری سازیم و در این مسیر جان دهیم و در سرتاسر عمر از این روش الهی منحرف نگردیده و راه دروغگویان و شکاکان و منحرفین را پیش نگیریم باز هم این جملات را که آرزوی ملت شیعه و درخواست گروندگان به مکتب غیبت است بخوانیم و تکرار کنیم تا دریابیم که مواد درسی مکتبی که عدل را در سرتاسر جهان میگستراند چیست و چگونه افراد را می سازد و انسان الهی و نیرومند بجهان هستی تحویل میدهد تا بیاری پروردگار در صف تشریفات شدگان رسول اکرم قرار گیریم...۱۰۰

---

۱۰۰- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵-۱۲-۲۳-۱۴- قال النبی صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام و اعلم ان اعظم الناس یقیناً (و اعلم ان اعجب الناس ایماناً و اعظم یقیناً) قوم یکنونون فی آخر الزمان لم یلحقوا النبی و حجب عنهم فامسوا بسواد فی بیاض، و قال سید العابدین علیه السلام من ثبت علی و لایتنا عن غیبة قائمنا اعطاه الله اجر الف شهید مثل شهداء بدر واحد و قال الصادق کان مع القائم فسطاطه ثم سکت هنیئة ثم قال، هو کمز کان مع رسول الله صلی الله علیه وآله.

## آرزوی مسلمان تشکیل حکومت جهانی است

۹- پس از اینکه انسان خود را آماده ساخت و پیشوای خود را در سطح عالی خلیفة اللہی شناخت و برای خود و او از پیشگاه مقدس پروردگار نیروی مقاومت تحصیل نمود با کمال قدرت از هستی بخش جهان هستی میخواست، که فرج او را نزدیک فرما و او را نصرت و یاری کن و هر که بیاری او برمیخیزد مورد عنایت خود قرار بده و کسانی که برای شکست و زیان او دست بکاری میزنند آنها را نابود فرما و عذاب خود را برای دشمنان و کسانی که او را تکذیب مینمایند بفرست، حق را بدست او آشکار فرما و کفر و ستم را بیاری او از اجتماع دور گردان و بندگان شایسته خود را از زیر بار ذلت ستمگران رهائی بخش و بلاد اسلامی را آباد فرما و زورگویان و طغیانگران را نابود فرما و سردمدارانی که مردم را بگمراهی و ضلالت دعوت میکنند آنها را ذلیل و نابود ساز و کفار و ستم پیشه گان را خوار گردان و صحنه گیتی را از شر منافقین و زشتکاران و هرگونه بدمنشی که موجب فساد و بدبختی جامعه بشریت میگردد پاک گردان تا دیگر اثری از این زشت رویان باقی نماند و برای همیشه بدی و زشتی از جهانی دور شود و سرزمینهای انسانها پاک گردد و حکومت بدست پاک مردانی افتد که در سایه ایمان و عدالت اجتماعی دلهای بندگان تو را از غمها زدوده و پاک گردانند و امام معصوم بتواند آنچه از دین تو فراموش شده دوباره به بازار آورد و هرچه تغییر در آئین تو رخ داده باز باصل آن برگرداند و در نتیجه دین مقدس اسلام بصورت واقعی خود برگردد و رونقی تازه یابد که از هر بدعت و تحریفی دور باشد و بتواند آتش کفر و نفاق را در جهان خاموش کند.

خدایا حضرت مهدی بنده فرمانبردار تست که خود آنرا برای اجراء او امرت برگزیده ای تا بتواند دین تو را یاری کند

پروردگارا روی بینش و علمی که تنها در خور مقام کبریائی تست او را انتخاب فرموده و از هرگونه گناهی دور داشته و با عصمتی که دارد هیچ عیب و نقصی در او مفهومی نخواهد داشت بلکه روی مقام علمی و بینش الهی برخوردار میگردد و از هرگونه پلیدی و زشتی به پاکی و طهارت میگراید مردمیکه در انتظار چنین روزی هستند و برای پیشوائی معصوم از خدا درخواست تعجیل و تسریع در ظهور و بروز و تشکیل حکومت مینمایند هرگز بگرد اموری ناشایست نمیگردند و با تکرار اعمال خداپسندانه و اجراء او امر الهی ملکه انسانی بدست میآورند و انسان ساخته میشوند. ۱۰۱.

### برای خدا از خدا موفقیت میخواهد

۱۰ - بنده خدا هرچه انجام میدهد برای خداست و هیچ موجودی را برای غیر او اطاعت نمی کند حتی اگر دعائی کند و از خدا چیزی بخواهد باز برای جلب رضایت پروردگار است آفرین بر این مکتب که در مقام دعای برای پیامبر و آل او و پیروان مکتب اسلام از خدا میخواهد آنها را به آرزوهای ارزنده الهی ایشان نائل گرداند و به دعاکننده آنچه آنچنان اخلاصی دهد که آنچه برای پیشوایان و مکتب پرارزش اسلام طلب میکند همه و همه برای خدا بناشد و هیچ نظری به دیگران ننموده و جز خدا چیزی نخواهند. ۱۰۲.

---

۱۰۱ - من ستران یكون من اصحاب القائم فلينتظر و ليعمل بالورع ومحاسن الاخلاق و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده كان له من الاجر مثل من ادركه فجدوا و انتظروا هنيئاً لكم ايها العصاة المرحومة بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴۰ .  
 ۱۰۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۲ .... و اما عله ما وقع من الغيبة فان الله عزوجل يقول يا ايها الذين آمنوا لاتسالوا عن اشياء ان تبدلكم تسؤكم (المائدة ۱۰۴) انه لم يكن لاحد من آبائي الا وقعت في عنقه بيعة لطاغية زمانه و انى اخرج

در ینابیع المودة از امام باقر (ع) روایت میکند که آیه آل عمران ۲۰۰ «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و اوصابرو و اورا بطوا العکم تمقلون» مقصود اینست که فرائض و واجبات را انجام دهید و بر آزار دشمنان صبر کنید و با امام زمان مهدی منتظر ارتباط خود را برقرار سازید و قریب بهمین مضمون هم از امام صادق (ع) رسیده: اصبروا علی عدوکم و اربطوا امامکم فیما اربکم و فرض علیکم وفیه ایضا رابطوا الائم.

### مشکلات عصر غیبت

۱۱- انسانیکه در عصر غیبت بسر میبرد مشکلاتی دارد که باید با خدای خویش در میان بگذارد. بدین جهت میگوید پروردگارا من شکایت از وضع روز را بسوی تو عرضه میدارم. پیامبر بزرگوار ما از دست رفته و امام زمان ما از انظار دور گشته و روزگار از هر سو بر ما فشار آورده و فتنه‌ها و بلاها از هر جانب بسوی ما متوجه گردیده و دشمن با کامل جسارت قدرت نمائی میکند و شماره آنها فزونی یافته و مقدار مؤمنین تقلیل پیدا کرده است. ما در چنین شرایطی زندگی میکنیم و از تو میخواهیم که با فضل و کرم خود بر ما هر چه زودتر فتح و پیروزی نصیب فرمائی و از پیشگاه خود صبری عنایت کنی که بتوانیم وظیفه سنگین خود را انجام دهیم و پیشوای معصومی را قدرت دهی که با ظهور خود به همه مشکلات خاتمه دهد، راستی پروردگاریکه بحق جهانی را آفریده در مقابل درخواستهای سه‌گانه بنده مؤمن خود که تنها از

---

حین اخرج ولا بیعة لاحد من الطواغیت فی عنقی و اما وجه الانتفاع به فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبت عن الابصار السحاب و انی لامان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء فاغلقوا ابواب السؤال عما لایعینکم ولا تتکلفوا علی ما قد کفیتکم و اکثر و الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلك فرجکم.

او این سه امر را میخواد چه رفتاری خواهد داشت و مردمی که چنین برنامه‌ای را اجراء مینمایند به چه مقام والای انسانی میرسند و چگونه وارث زمین و فرمانده کل قوا میگردند و بحق باید خدای بزرگ بر آنها منت گذارد و بگوید و سخر لکم ما فی الارض جمعياً ۱۰۳.

### غیبت نگهبان مکتب در سایه امام است

۱۲- در ضمن دعائی که منتظر ظهور مینماید مطلبی عالی بچشم میخورد که بسیار باید روی آن تکیه نمود زیرا غیبت علت اساسی دارد و آن قوت و نیروئی است که ستمکاران و شهوت-پرستان و مردمیکه در خط خدا نیستند بدست آورده و اگر پیشوای معصوم ظهور کند او را ناپود نموده و دیگر از مکتب اسلام اثری باقی نمی ماند. ۱۰۴ و مردم و نسلهای آینده راهی نمیتوانند بحق بدست آرند لذاست که خداوند امام خود را از دستبرد آنان دور نگاهداشته تا بمرور ایام مردم حق پرست انسان ساز فعالیت کنند و دشمنان هم در مقابل عرض اندام نمایند در نتیجه نیروی الهی بموقع بسیج شود و پیشوای عالیقدر قیام نموده و دشمن را سرکوب کرده و فواین اسلام را به بهترین و جبهی اجراء نماید لذا اینگونه دعا میکند. پروردگارا فرمان ده، تا نماینده معصوم تو در میان بندگانت ظاهر شود و دشمنان تو را در سرزمینهای تو ناپود نماید تا دیگر ستمگری نماند مگر آنکه او را بخاک مذلت انداخته و کاخی از ستم باقی نماند و نیروئی نتواند در مقابل قدرت الهی او بایستد و یا پایگاهی که بیدینان را پناه دهد و نه مرز وحدی

۱۰۳- الحج ۶۵ البقره ۱۵۵ .

۱۰۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۷ عن ابی عبد الله علیه السلام قال، للغلام غیبة قبل قیامه قلت ولم؟ قال يخاف علی نفسه الذبح .



که برای حفظ آنها مقرر شود بلکه سلاح و نیروی آنها را بلطف خود درهم شکسته و پرچم ظلم و بیدادگری آنها را واژگون فرما و شجعمان آنها را بخاک مذلت بسیار تا نماند درنده‌ای مگر اینکه در پیشگاه حکومت الهی خاضع گردد و دشمنان انسانیت و مردم دور از خدا و حقیقت به تیر بلا گرفتار شوند و با شمشیر بران الهی نابود گردند. خدایا عذاب خود را به گناهکاران فرست و دشمنان اسلام و پیامبر اسلام را بدست پیشوای مسلمین و اهل حق ذلیل فرما و فرمانده خود را از کید دشمنان و هراس مخالفین و مکر معاندین در امان خود قرار بده و دشمنان او را که دشمن انسانند در محاصره بدبختی و نکبت قرار بده و نیروی مادی آنها را ضعیف فرما و رعب و ترس را بر آنها مستولی فرما تا نتوانند دیگر تصمیمی گیرند ناچار ناگهان بهلاکت و نابودی گرایند و دچار عقاب سخت الهی گردند و پس از چشیدن انواع عذاب در روز بازپسین هم آنها را با آتش جهنم سوزان غضب خود مبتلا فرما زیرا این گروه مرتکب سه خیانت بزرگ در اجتماع گردیده‌اند.

- ۱- نماز که بزرگترین رابط انسان با خداست ناچیز شمرده و در بین مردم آنرا ضایع نموده‌اند تا مردم نتوانند با خدا مرتبط شوند.
- ۲- هواهای نفسانی که انسانی را ساقط میکند و از خدا دور میسازد و حقوق اشخاص را تضییع مینماید پیروی کرده‌اند
- ۳- بندگان خدا و مردمی که در جمعیتها بنام خدا برای خدا سخن میگفتند و فعالیت داشتند آنها را ذلیل و خوار کرده‌اند. به به از این مکتب انسان‌سازی که پیروانش در راه ارتباط با خدا و متابعت از او امر خدا و حمایت از بندگان خدا اینگونه درخواستی نموده و مخالفین را تا سرحد عذاب دائم الهی تعقب مینمایند.

### بهره متناسب با مشکلات غیبت است

۱۲- بهره‌ای که از غیبت گرفته میشود متناسب با زمان و

ناراحتیهائی است که در طول غیبت دیده شده و زحماتی که مردان خدا  
 در ایام غیبت بر خود هموار نموده اند بلکه باید گفت نتیجه ایست که  
 انبیاء عظام و اولیاء پروردگار از روز خلقت تا روز ظهور برای  
 آن تلاش نموده و در نتیجه حکومتی الهی تشکیل یافته که تمام  
 احکام و مقررات اسلام بصورت صحیح اجراء میشود و انسانهای  
 کمال یافته که ارزشمندترین انسانها میباشند زمام را بدست  
 دارند لذا بنده مؤمن با خدای خویش چنین روزی را شرح میدهد.  
 پروردگارا با ظهور ولی الله قرآن را زنده ساز و نورانیستی  
 که در دلها کلام خدا ایجاد مینماید همیشگی قرار بده و دلهای  
 مرده را با نور ولایت حیات بخش و سینه های تنگ مردم بیمار را  
 شفا عنایت فرما و با فرماندهی ولی الله که قرآن تو را پیاده میکند  
 همه تفرقه ها را دور و مردم را بدور شمع پر توافق حق گردآور  
 و آنچه از حدود الهی تعطیل شده بدست با کفایت امام زمان  
 برقرار بفرما تا دیگر حکمی از احکام الهی نماند مگر آنکه صورت  
 عمل بخود بگیرد و حقی دیگر پایمال نشود و عدالت بتمام معنی  
 گسترش یابد و ما را در این میان جزء یاران حضرتش قرار بده  
 که بتوانیم حکومت او را تقویت کنیم و اوامر او را اجراء نمائیم  
 و به رفتار و گفتار او رضایت دهیم و تسلیم احکام او باشیم و  
 دیگر نیازی به تقیه و پرده پوشی از دیگران نداشته و آزادانه  
 انجام وظیفه کنیم و حق را بیان نمائیم. پروردگارا تویی که هر  
 بدیهائی را دور مینمائی و هر مشکلی را آسان میفرمائی و جواب  
 مضطربان و بی پناهان را میدهی و همینکه تو را بخوانند پاسخ  
 مثبت میشوند. بنابراین خدایا این ناراحتی غیبتی را که برای  
 امام زمان پیش آمده خودت جبران فرما و همانطور که وعده  
 فرموده ای او را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار بده. مکتبی  
 که شاگردانش پیوسته با روح سرشار از نشاط با خدای خویش  
 همیشه در راز و نیازند و هرچه میخواهد برای جلب رضای اوست

همیشه در جهان انسانی مورد احترام همه انسانهای آشنای با انسانیت بوده چه خود درك میکنند مکتبی انسان ساز است که تا بشر است نیاز باو دارد.

### غیبت وسیله رسیدن به هدف

۱۴- رسیدن به هدف چه مادی باشد چه معنوی نیازمند بوسیله و مدرسه ایست که انسان را بمقصد برساند در جهانی که ما زندگی میکنیم هیچکس گتره و بدون جهت بمقامی نمیرسد و موقعیتی را درك نمیکند و از همه مهمتر این است که انسان تحت تاثیر قرار میگیرد و خواه ناخواه در هر جبهه ای که باشد رنگ آن دسته را گرفته و از خوی آنها خو میگیرد و مشکلی که مسلمانها در جهان روز پیدا کرده اند اختلاط شدیدی است که با جوامع غیر اسلامی که رنگهای مختلفی دارند پیدا کرده و چون مادیت در تمام ابعاد حکومت میکند جامعه الهی را نیز تحت تاثیر قرار داده و هر روز به شکلی از حریم قرآن و عترت دوری جسته و از انسانیت فاصله میگیرند و بهرگونه ستمی دست میآلایند، بهر پستی تن میدهند و برای اینکه بنده خداپرست از این بلای عظیم رهائی پیدا کند نخست در فرازهای گذشته در بعد مثبت که اتصال بمنبع وحی بود طلب میکرد و در آخر دعاء در بعد منفی تقاضا مینماید. پروردگارا مرا از دشمنان آل محمد قرار مده و من با عترت رسول اکرم مخاصمه و دشمنی ننمایم و از تاکسانی نباشم که نسبت به خاندان نبی بزرگوار کینه و بغضی داشتند و در دل از آنها عقده ای گیرم از این بلای خانمانسوز به تو پناه می برم جز تو کسی نمیتواند در این مراحل انسان را پناه دهد، پروردگارا مرا نگهداری فرما و دستگیری کن و درود خود را بر پیامبر و آل او نثار فرما و مرا به برکت رسول اسلام و آل او در دنیا و آخرت سعادت مند و پیروز گردان و از جمله مقربین درگاه ربوبیت قرار بده.

از خدا میخواهیم همانطور که امام صادق علیه السلام در وسائل  
ج ۴ (۲ و ۳) دستور داده. (اللهم انى اصبحت استغفرك فى هذا  
الصباح و فى هذا اليوم من اهل رحمتك و ابرء اليك من اهل نقتك  
اللهم انى اصبحت ابرء اليك فى هذا اليوم و فى هذا الصباح فمن  
نحن بين ظهرانىهم من المشركين و مما كانوا يعبدون انهم كانوا  
قوماً فاسقين... اللهم احفظ امام المسلمين بحفظ الايمان  
و انصره نصراً عزيزاً و افتح له فتحاً يسيراً و اجعل له و لنا من لدنك  
سلطاناً نصيراً... و اسالك الزيادة من فضلك و الاقرار بما جاء من  
عندك و التسليم لامرك و المحافظة على ما امرت به...

در اینجا سخن خود را قطع نموده و امیدوارم در این سال جدید  
که در طلوع آن ولادت یگانه بانوی بزرگ اسلام صدیقه طاهره  
قرار گرفته خدای بزرگ بر جامعه مسلمین عنایت فرموده و در  
فرج و ظهور ولی امر و امام زمان تعجیل فرماید و ملت پیاخته  
شیعه را با حمایت حضرتش موفقیت همه جانبه عطا نماید تا با  
خاتمه جنگ بتواند معارف اسلامی را به جهانی عرضه داشته و  
خدمتی بزرگ به عالم انسانیت انجام دهد و به کسانی که در این راه  
از بذل آنچه دارند کوتاهی ننموده و نمی نمایند سعادت دارین عطا  
فرماید و همه را در شمار خدمتگذاران با خلاص بدین قرار دهد، اللهم  
اجعلنا ممن ينتصر به لدينك.

کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع طهران

حسن سعید

میلاد زهراى اطهر عليه السلام ۱۴۰۴ نوروز ۱۳۶۳

## شیخ بهائی عالم بزرگوار

مه من نقاب بگشا ز جمال کبریائی  
 شده انتظارم از حدیچه شود زدر در آئی  
 که بتان فرو گذارند اساس خود نمائی  
 بدو دیده خون فشانم ز غمت شب جدائی  
 چکنم که هست اینها گل باغ آشنائی  
 چه کسم چه کاره ام من که رسم بعاشقانت  
 بکمین استخوانی که برد هماز خوانت  
 که رقیب در نیاید به بهانه گدائی  
 چو کمال حسن مطلق که ز عشق بی نیاز است  
 که مدار شوخ چشمان بگرشمنه است و ناز است  
 بامید آنکه شاید تو بچشم من در آئی  
 دل مبتلای محمود بطره ایاز است  
 در گلستان چشمم ز چهره همیشه باز است  
 ز حدیث لعل کامی ز ندیم ره دل و دین  
 ز ندیم به تیر مژگان کشم بغمزه کین  
 که کشند عاشقی را که تو عاشقم چرائی  
 ز عذار لاله گونش چمن ارغوان نماید  
 مژه ها و چشم شوخش بنظر چنان نماید  
 چو بسیر باغ سرو قد خود عیان نماید  
 رخ خود پی نظاره چو بگلستان نماید  
 که میان سنبلستان چرد آهوئی خطائی  
 کند التفات ساقی سوی بزم ما پیایی  
 ز فراق چون ننال من دلشکسته چون نی  
 که بسوخت بند بندم ز حرارت جدائی  
 نگشود عقده دل نه ز شیخ و نه ز برهن  
 چو نصیب عاشق آمد زازل فضای گلخن  
 که شنیده ام ز گلها همه بوی بیوفائی  
 چو بنای کار عاشق همه سوز و ساز دیدم  
 ز جهانیان گروهی بره مجاز دیدم  
 چو بصومعه رسیدم همه زاهد ریائی  
 ز حدوث پاک گشتم بقدم رهم ندادند  
 بکنشست سجده بردم بصنم رهم ندادند  
 که تودر برون چه کردی که درون خانه آئی  
 که نسیم وصل گویا ز دیار دلبر آمد  
 در دیر میزدم من که ندا ز در درآمد  
 که در آء در آء عراقی که تو هم از آن مائی

## انتشارات چهل ستون در ۹/۱۸/۶۲

### کتاب فارسی

شماره	نام کتاب	نام مؤلف	بها بر ریال
۱	خدا و نظام آفرینش	جعفر سبحانی	۷۰
۲	خدا و صفات جمال و جلال	جعفر سبحانی	۷۰
۳	خدا و پیامبران الهی	جعفر سبحانی	۶۰
۴	خدا و پیامبر اسلام	جعفر سبحانی	۶۰
۵	خدا و معاد	جعفر سبحانی	۱۰۰
۶	پیامبرشناسی	جعفر سبحانی	۳۵
۷	راز بزرگ رسالت	جعفر سبحانی	۴۰۰
۸	خدا و مهدی	حسن سعید	۱۷۰
۹	حکومت از دیدگاه قرآن و عترت	حسن سعید	۵۰
۱۰	حسین از دیدگاه وحی	حسن سعید	۱۲۰
۱۱	اصول دین	حسن سعید	۶۰
۱۲	شناخت شیعه	حسن سعید	۱۵۰
۱۳	یوحناذمی	دکتر شهابی	۵۰
۱۴	فدک	مرحوم آیه... قزوینی	۱۲۰
۱۵	خدا در اندیشه بشر	عبدا... نصری	۱۵۰
۱۶	ایده استعمار	احمد علم الهدی	۵۰
۱۷	اصول دین	آیه... میرزای قمی	۸۰
۱۸	کانون پاکان	محمد برهان	۱۴۰
۱۹	بررسی جوانان در ۷ جلد		۸۰
۲۰	حقیقت نفاق از دیدگاه قرآن	کمال حاج سیدجوادی	۴۰
۲۱	شیعه در اسلام	سید موسی سبط	۲۰۰
۲۲	ارث از نظر اسلام	آیه... محمدباقر آشتیانی	۱۲۰
۲۳	خلاصه التوحید	میرزا رضا منشی	۶۰
	دیوان رسائل		
۲۴	ارمغان اسلام	رحیمیان	۵۰
۲۵	صدمقاله حقیقت در دو جلد	بانو حقیقت	۲۵۰

۱۴۰	سید نورالدین جزایری	زینب (ع)	۲۶
۱۰۵	علی دامغان	مبانی اسلام	۲۷
	شهید آیه... محمد باقر	انقلاب مهدی	۲۸
۱۰۰	صدر		
۳۰	ظہیری	کلمات مشکله قرآن	۲۹
۱۴۰	حسن سعید	۱۷ ربیع المولود شرح	۳۰
		قصیده برده	
۵۰	جعفر سبحانی	بیک رمضان	۳۱
۲۰۰	حسن سعید	فاطمہ زهرا (ع) دژ	۳۲
		شکست ناپذیر وحی	
۳۰۰	آیه... آشتیانی	چهارده رساله فارسی	۳۳
۳۰۰	سید محمد تقی نقوی	شرح دعای کمیل	۳۴
۲۰۰	احمد آیت اللہی	بسوی قرآن	۳۵
۵۰	حسن سعید	مکتب امام حسین	۳۶
۲۲۵	آیه... آشتیانی	مالکیت الاراضی	۳۷
۳۰	حسن سعید	خدا و رمضان	۳۸
۴۰۰	حسن سعید	نموداری از حکومت علی (ع)	۳۹
۱۰۰	فقیہ احمد آبادی	حمایت امام زمان از شیعه	۴۰
۸۰	حسن سعید	غدیر پیوند ناگسستنی	۴۱
		رسالت و امامت	
۲۰۰	موسوی نجفی	ابواب الجنان	۴۲
۲۵	علی اکبر شہابی	سه گفتار	۴۳
	حسن سعید	پیام فاطمہ	۴۴
۱۰۰	حسن سعید	از عرفات تا کربلا	۴۵
		مہدی ما: راه گشای عالم	۴۶
۱۰۰	حسن سعید	غیب	۴۷

كتب عربي

شماره	نام كتاب	نام مؤلف	بها بريال
١	الاقتصاد	شيخ طوسي	٦٠٠
٢	الروائع المختارة	مصطفى موسى	٢٠٠
٣	كلمة الغراء	سيد عبد الحسين شرف الدين	٦٠
٤	الامام علي (ع)	جواد خليلي	٢٠٠
٥	شيعتنا	حسن سعيد	١٠٠
٦	الرسول و الشيعة	حسن سعيد	١٠٠
٧	الرسول يدعوكم	حسن سعيد	١٢٠
٨	دليل العروة الوثقى ٢ جلد	حسن سعيد	
٩	الحسين والسنة	عبد العزيز الطباطبائي	١٢٠
١٠	جيش اسامة	محمد شيرواني	١٢٠
١١	الرسول يحدثنا	حسن سعيد	٣٠
١٢	نور الابرار		٧٠
١٣	شرح نهج البلاغه جلد دوم	سيد محمد تقي نقوي	٦٠٠
١٤	موسوعة المكاسب	تقرير حسن سعيد	
١٥	اقدم نسخه نهج البلاغه	حسن سعيد	٤٠٠
١٦	الى علماء الاسلام	حسن سعيد	
١٧	ايها المسلمون ولا تثارغو	لطف... صافي	
١٨	محاضرة المهدي حول الامام المهدي	حسن سعيد	٢٠٠
١٩	الشيعة وتمسكه للسنة	حسن سعيد	٥٠
	اهل البيت (ع)		
٢٠	كذبوا على الشيعة	رضوي	٤٠٠
٢١	ابواب الجنان		٢٠٠
٢٢	شرح البداية ١ و ٢	استاد بقال	٣٠٠
٢٤	فضل امير المؤمنين علي بن ابي طالب		